

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع نشست:

نقش شهید آیت الله العظمی خامنه‌ای (قدس الله نفسه الزکیه)

در ارتقاء فرهنگ سیاسی ایرانیان

(تحلیل جامعه‌شناسانه بعثت عمومی ملت ایران پس از شهادت قائد عظیم‌الشأن امت اسلامی)

با حضور:

آقای دکتر فرزاد جهان‌بین، آقای دکتر عباسعلی رهبر، آقای دکتر عبدالله گنجی،

جناب آقای مسعود رضایی

اردیبهشت ۱۴۰۵

فهرست

۶	مقدمه.....
۶	آقای دکتر جهان‌بین.....
۶	بصیرت و موقعیت‌شناسی در سیره اصحاب خاص امیرالمؤمنین (ع).....
۶	حضور آگاهانه و کنش مبتنی بر فهم؛ معیار جدایی اصحاب خاص از خوارج در سیره علوی.....
۷	کوفیان؛ از همراهی نخستین تا خسارت پایانی.....
۷	بعثت عمومی؛ از سوگ تا کنش مجاهدانه.....
۷	استمرار کنش مجاهدانه در برابر تهدیدات واقعی.....
۸	تبیین مفهوم بعثت.....
۸	نسبت‌های سه‌گانه در مواجهه با رهبر شهید انقلاب.....
۸	اشارت‌نشینی در نسبت به رهبر شهید انقلاب.....
۸	اجتهاد بی‌ضابطه در نسبت به رهبر شهید انقلاب.....
۸	اجتهاد ضابطه‌مند؛ فهم چارچوب اندیشه ولی و تشخیص کنش.....
۹	تجلی بعثت و فهم مبتنی بر بصیرت.....
۹	بعثت مردم در روایات؛ از فساد بنی‌اسرائیل تا قیام پیش از ظهور.....
۹	بعثت عمومی ملت ایران؛ فراسوی تحریک عواطف.....
۱۰	تحلیل بعثت عمومی در چارچوب فرهنگ سیاسی.....
۱۰	فرهنگ سیاسی انفعالی.....
۱۰	فرهنگ سیاسی تبعی.....
۱۰	فرهنگ سیاسی مشارکتی.....
۱۱	بی‌نظیری حضور مستمر مردمی در تاریخ معاصر ایران.....
۱۱	نقش رهبر شهید انقلاب در برانگیختگی سیاسی و فرهنگی.....
۱۲	تأکید بر گفت‌وگو با مردم به دلیل فقاقت ذاتی آنان.....
۱۲	رهبر شهید انقلاب، وارث تجربه انباشته شده از اهل بیت (ع).....
۱۲	نقش خون شهدا و رهبری در تکامل انسان کنشگر.....
۱۲	ضرورت تبیین بعثت.....

۱۳		ساماندهی ظرفیت مردمی
۱۳		بهره‌گیری از ظرفیت مردمی پس از جنگ
۱۳		مباهله روزانه مردم ایران و امید به نصرت الهی
۱۳		آقای دکتر گنجی
۱۳		مقدمه
۱۴		تبدیل ادعا به باور عملی در میان ملت
۱۴		ضرورت اشراف بر تاریخ معاصر
۱۵		تبیین دوگانه سازش و مقاومت و سنجش هزینه‌ها
۱۵		نقد سازش قاجار و تأکید بر مقاومت
۱۶		فهم غرب در مدل مواجهه رهبر شهید انقلاب
۱۶		دقت پیش‌بینی‌ها و اصل مناقشه با غرب
۱۶		پیش‌بینی رهبر درباره امتداد مطالبات غرب پس از برجام
۱۷		برجام و آگاهی‌بخشی ناخواسته به نسل نوظهور
۱۷		تبیین مدل ماهیت حقیقی در برابر ماهیت حقوقی جمهوری اسلامی
۱۸		رمز استحکام جنگ رمضان، نقش مردم در تحقق ماهیت حقیقی نظام
۱۸		نقش ماهیت حقیقی نظام در پشتیبانی مردمی
۱۸		فلسطین؛ مهم‌ترین مسئله جهان اسلام در مدلسازی رهبر شهید انقلاب
۱۹		ابرتحلیلگری رهبر شهید انقلاب فارغ از جایگاه رهبری
۱۹		ذهن سیستمی و التزام عملی به اصول
۲۰		عقلانیت دینی در مقابل نگاه صرفاً ایدئولوژیک
۲۰		حکمت؛ حاصل تقوا و تجربه در تصمیم‌گیری
۲۰		تصمیمات عقلایی رهبر شهید انقلاب در مدیریت مسائل
۲۱		احیای اندیشه‌ورزی با الگوی پنج‌گانه تمدن اسلامی
۲۱		تئوری‌پردازی؛ ویژگی مشترک رهبران انقلاب‌های بزرگ
۲۲		رهبر شهید انقلاب؛ نظریه‌پردازی فراتر از مدیریت
۲۲		اشراف بی‌نظیر رهبر شهید انقلاب بر تاریخ
۲۲		جهان‌شناسی تاریخی بیدیل رهبر شهید انقلاب
۲۳		اکسیری به نام صداقت؛ ایستادگی تا پای جان

۲۳	حضور به موقع رهبر شهید انقلاب در بحران برجام و ارز
۲۴	معجزه ایستادگی در برابر فشار اقتصادی
۲۴	آقای دکتر رهبر
۲۴	خلق مفاهیم بدیع؛ راز برجستگی رهبر شهید انقلاب در تاریخ رهبری ایران
۲۴	زنجیره معنایی بعثت ملت ایران و بیداری وجدان بشریت
۲۵	نقش نجات ملی در تبدیل تاب‌آوری اقتصادی به تاب‌آوری هوشمند مقاومت‌محور
۲۵	بعثت جمعی ملت ایران و تبیین رهبر شهید انقلاب از عزت و هوشمندی مردمی
۲۵	رضایت مطلق رهبر شهید انقلاب
۲۶	تحول فرهنگ سیاسی در پرتو انقلاب اسلامی
۲۶	عوامل مؤثر در شکل‌گیری و بازتولید فرهنگ سیاسی
۲۶	نقش فرهنگ سیاسی در شکل‌گیری عاملیت ملی و تمدن‌سازی انقلابی
۲۶	بعثت مردمی و نسبت الهی آن؛ تحلیلی بر نقش قلوب مؤمنان در نقطه آغاز تحول
۲۷	ظهور مردم در گفتمان بعثت مردمی؛ مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی از نگاه رهبر معظم انقلاب
۲۷	بازخوانی مفاهیم ناب رهبر شهید انقلاب؛ راهکاری برای پیوند جامعه، دانشگاه و پژوهشگاه‌ها
۲۷	بازخوانی مفهوم «منت الهی» در بعثت
۲۸	کارآمدی فرهنگ سیاسی نجیبانه در اقتدار ملی
۲۸	شاخصهای فرهنگ سیاسی نجیبانه و بعثتی ایرانیان
۲۸	جریان‌شناسی مفهوم بعثت در اندیشه رهبر شهید انقلاب و علامه طباطبایی
۲۹	توحید؛ هسته مرکزی فرهنگ بعثتی
۲۹	تعلیم حکمت؛ هدیه بعثت در آینه حضور مردمی
۲۹	تأکید رهبر شهید انقلاب بر عظمت و اراده ملت ایران
۳۰	نقطه آغازین بعثت مردمی؛ سرآغاز تحول و مبنای قدرت چهارم
۳۰	اعتماد به نفس ملی؛ پاسخ به یک تحقیر تاریخی
۳۰	ویژگی‌های یک ملت تاریخ‌ساز در نگاه رهبر شهید انقلاب
۳۱	زیست اتصال میدان و دیپلماسی در مسیر عزت ملی
۳۱	انقلابی‌گری بصیرانه؛ لازمه بهینه‌سازی فرهنگ سیاسی نجیبانه
۳۱	حفظ انسجام و آرامش ملی در گفتار امامین انقلاب
۳۲	آقای دکتر رضایی

- ارتقای فرهنگ سیاسی؛ ضرورت نگاهی تطبیقی به پیشا و پساانقلاب..... ۳۲
- نقش مردم در نظام پیشاانقلاب؛ حضوری ناچیز در حاشیه قدرت..... ۳۲
- حوزه دفاعی پیشاانقلاب؛ وابستگی بیگانگان و حذف خلاقیت ایرانی..... ۳۲
- حوزه اقتصاد پیشاانقلاب؛ سلطه بیگانگان و حذف عاملیت ملی..... ۳۳
- عرصه علم و دانش پیشاانقلاب؛ استعدادهای سرشار در قفس وابستگی..... ۳۳
- کاشت بذر تحول فرهنگی در جان مردم ایران توسط امام خمینی (ره)..... ۳۳
- روشنگری بیوقفه رهبر شهید انقلاب در میان مردم..... ۳۳
- انفجار نور؛ روایت دستاوردهای طیفی انقلاب اسلامی..... ۳۳
- بررسی نقش رهبر شهید انقلاب در ارتقای فرهنگ سیاسی..... ۳۴
- حزب جمهوری اسلامی؛ گام نخست در ترویج فرهنگ مشارکت سیاسی..... ۳۴
- نقش رهبر شهید انقلاب در پیوند با دانشجویان..... ۳۵
- تأکید رهبر شهید انقلاب بر نقش مردم در اقتصاد؛ نگاهی فراسوی سیاست..... ۳۵
- ساماندهی نیروهای مردمی در ابتدای جنگ توسط رهبر شهید انقلاب..... ۳۶
- مردم، نردبان تعالی جامعه در نگاه رهبر شهید انقلاب..... ۳۷
- تأکید رهبر شهید انقلاب بر حضور گروه‌های سیاسی؛ حفظ وحدت در چارچوب نظام..... ۳۷
- انتخابات حداکثری در سیره سیاسی رهبر شهید انقلاب..... ۳۸
- صیانت از رأی مردم در سیره سیاسی رهبر شهید انقلاب..... ۳۸
- حضور مردم در عرصه دانش‌بنیان؛ جلوه دیگری از نگاه فراگیر رهبر شهید انقلاب..... ۳۹
- نگاه همه جانبه رهبر شهید انقلاب به جایگاه مردم..... ۴۰

نقش رهبر شهید انقلاب در ارتقای فرهنگ سیاسی ایرانیان از جمله مباحثی به شمار می‌رود که شاید برخی از جزئیات و مصادیق آن طی این سال‌ها به گونه‌ای پراکنده مورد توجه قرار گرفته‌است. با این حال، تاکنون به صورت یک بحث مستقل و با تمرکز بر این موضوع، کمتر پرداخته شده است. از سوی دیگر، در واقع با ظهور بعثت عمومی در جامعه ایرانی، اقتضای بررسی این مسئله بیش از پیش فراهم آمده است تا هم به موضوع فرهنگ سیاسی از منظری کلان پرداخته شود و هم بحث بعثت عمومی جامعه ایرانی مورد مذاقه قرار گیرد.

آقای دکتر جهان‌بین

بصیرت و موقعیت‌شناسی در سیره اصحاب خاص امیرالمؤمنین (ع)

بحث خود را با استناد به این فراز از نهج‌البلاغه آغاز می‌کنم که امیرالمؤمنین (ع) در وصف اصحاب برجسته و یاران خاص خویش فرموده‌اند: «حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ»؛ یعنی بصیرت خویش را بر شمشیرهای خود سوار کرده‌اند. این بیان، حاوی نکته‌ای بسیار مهم است. همچنین آن حضرت در مورد مالک اشتر فرموده‌اند که هرگاه گندی لازم بود، او سرعت نمی‌داد و هرگاه سرعت لازم بود، گندی از وی دیده نمی‌شد. این مطلب نیز نکته‌ای بس ژرف به شمار می‌رود؛ زیرا مقصود آن است که هنگام به کارگیری شمشیر، دقیقاً در همان موقعیت ضروری، ضربه وارد شود.

حضور آگاهانه و کنش مبتنی بر فهم؛ معیار جدایی اصحاب خاص از خوارج در سیره علوی

در نقطه مقابل، حضرت علی (ع) در مورد خوارج چنین می‌فرمایند که شمشیرهای خود را بر دوش نهاده و مواضع خطا و درست را با یکدیگر خلط می‌کنید. این نکته بسیار مهمی است که شمشیر آنان جایی فرود می‌آید که نباید فرود آید، یا جایی که باید فرود آید، فرود نمی‌آید. از این رو حضرت فرمودند که پس از ایشان، خوارج را نکشید؛ زیرا کسانی که در پی حق هستند و اشتباه می‌کنند با کسانی که در پی باطل‌اند و آن را درک می‌کنند (که منظور معاویه است) یکی نیستند. با این حال، درباره همین خوارج فرمودند: «أَنْتُمْ شَرَّ النَّاسِ»؛ شما بدترین مردمید، زیرا تیری هستید که از چلّه دشمنانی آگاه رها می‌شود. این مطلب نیز نکته‌ای بسیار مهم به شمار می‌رود که اصحاب خاص امیرالمؤمنین کنش دارند، اما کنششان مبتنی بر فهم است؛ حضور دارند، اما حضورشان آگاهانه است؛ به عبارتی ایشان مجموعه‌ای کاملاً تربیت‌یافته پیش‌رو هستند.

کوفیان؛ از همراهی نخستین تا خسارت پایانی

اما واقعیت آن است که عمده مردمی که همراه امیرالمؤمنین بودند، این ویژگی‌ها را نداشتند. از این رو حضرت ناگزیر می‌شد که بر سر بدیهیات با ایشان به بحث و گفت‌وگو بنشیند. البته ابتدائاً همان مردم کوفه بودند که حضرت را همراهی کردند و امیرالمؤمنین تعابیری عجیب در ستایش ایشان دارد؛ از جمله فرمود: «أَنْتُمْ مَخُ الْعَرَبِ»؛ درواقع شما اساس عرب و اساس اسلامید؛ اما رفته‌رفته هرچه شرایط پیچیده‌تر و چند لایه‌تر شد، این مردم نیز از یک سو خسته شدند و از سوی دیگر آن کنش توأم با فهم را که پیش‌تر اشاره شد از خود نشان ندادند. در نتیجه خسارت‌های بزرگی به جهان اسلام وارد گردید. این نکته نخست را همواره می‌بایست مدنظر داشت که معیار اساسی، کنش مبتنی بر فهم است.

بعثت عمومی؛ از سوگ تا کنش مجاهدانه

آنچه امروز در این بیش از شصت روز شاهد هستیم، بعثت عمومی به شمار می‌رود. در این بعثت عمومی، احساس سوگ، به کنشی مجاهدانه تبدیل گردید. این نکته بسیار مهمی است که مردم این سوگ را - همان‌گونه که در همان یکشنبه پس از اعلام حادثه، همگان بلافاصله به خیابان انقلاب و میدان انقلاب آمدند و مردم نیز از نقاط مختلف به سوی آنجا روانه می‌شدند - از خود نشان دادند. از همان شب، تجمعات شبانه آغاز شد. واقعاً یک چشم، اشک‌آلود و یک چشم، در حرکت بود؛ به این ترتیب، این سوگ را مردم به کنشی مجاهدانه مبدل ساختند.

استمرار کنش مجاهدانه در برابر تهدیدات واقعی

این کنش مجاهدانه، ویژگی مهمی نیز داشت و آن، استمرار حضور بود؛ به ویژه استمرار حضور در شرایطی که تهدیدات واقعی وجود داشت. خودتان مشاهده نمودید که در روز قدس با پهبادهای حمله کردند. گرچه اینجانب گاهی به همان خیابان‌هایی که شب‌ها میدان اصلی نبودند، تردد نکردم، اما در همان محله‌ای که هستیم، معمولاً شب‌ها به مدت یک ساعت یا یک ساعت و نیم، دسته‌هایی در بخش‌های مختلف به راه انداخته و حرکت می‌کنیم. گاهی این پهباد در بالای سر به وضوح قابل مشاهده بود. همچنین مکرراً تهدیدهایی صورت می‌گرفت که مردم را بزنند. با وجود این تهدیدات واقعی و با وجود فشارها و ناامن‌سازی‌ها، مشاهده می‌شود که این کنش مجاهدانه که مبتنی بر فهم است، استمرار یافته است.

این مسئله نشان می‌دهد که ما در واقع با یک برانگیختگی سطحی ناشی از صرفاً کنش‌های عاطفی به دلیل شهادت رهبر شهید انقلاب مواجه نیستیم، بلکه با یک بعثت اجتماعی روبرو هستیم.

تبیین مفهوم بعثت

بعثت یعنی همان چیزی که پیش‌تر بیان شد: «حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ». منظور آن است که جامعه به سطحی از خودآگاهی برسد که خودش به تشخیص صحنه دست بزند و خودش نیز بر اساس آن تشخیص، اقدام و عمل را انجام دهد. این مطلب، نکته‌ای بسیار مهم به شمار می‌رود.

نسبت‌های سه‌گانه در مواجهه با رهبر شهید انقلاب

در مواجهه با رهبر شهید انقلاب، بارها بیان می‌داشتیم که به طور مثال سه نسبت وجود دارد. البته از این بابت احساس خطر می‌کردم که توضیح دهم.

اشارت‌نشینی در نسبت به رهبر شهید انقلاب

یک نسبت، «اشارت‌نشینی» بود. خود من سال هشتادودو در قضایای NPT و مباحث مرتبط با آن درگیر بودم - که اکنون قصد ورود به آن جزئیات را ندارم - در آن زمان جنبش دفاع از استقلال ملی ایران را راه‌اندازی نمودیم. در آنجا مسئله اشارت‌نشینی، یعنی از «تو» به یک اشارت و از «ما» به سر دوییدن، بسیار حائز اهمیت بوده است.

اجتهاد بی‌ضابطه در نسبت به رهبر شهید انقلاب

نسبت دوم، اجتهاد بود. اجتهاد خود به دو گونه تقسیم می‌شود: اجتهاد ضابطه‌مند و اجتهاد بی‌ضابطه. اجتهاد بی‌ضابطه بدین معناست که انسان هر چه خود می‌فهمد، همان را بی‌درنگ به کار می‌بندد. چه بسا گاهی این فهم، غلط و شخصی از کار درآید و بر آن اصرار نیز ورزیده شود و سپس مشاهده گردد که چه تبعاتی در پی داشته است. نمونه‌های آن در روزگار کنونی نیز وجود دارد که اینجانب به جهت نیاززدن کسی، از ذکر مثال خودداری می‌کنم.

اجتهاد ضابطه‌مند؛ فهم چارچوب اندیشه ولی و تشخیص کنش

اما نوع سوم، اجتهاد ضابطه‌مند بود. بدین معنا که ما چارچوب اندیشه ولی را بفهمیم، سپس در درون همان چارچوب به تشخیص دست بزنیم و پس از آن کنش متناسب را انجام دهیم. ممکن است این تشخیص ما نیز اشتباه از کار درآید، اما همچنان قاعده «لِلْمُخْطِئِ أَجْرٌ وَ لِلْمُصِيبِ أَجْرَانِ» جاری است. کسی که خطا کرده، پاداش می‌برد، هر چند نتوانسته به آن حقیقت واقعی نائل آید؛ اما آن کس که درست فهمیده است، افزون بر پاداش تلاش، پاداش دریافت درست پاسخ را نیز از آن خود می‌سازد.

خلاصه آنکه همواره بحث ما بر این محور بود که چه بسا بسیاری از اوقات، منتظر می ماندیم که رهبر شهید انقلاب بیایند و موضعی اتخاذ کنند و بگویند. این همان بحث نخست بود که یک اشارتی از ایشان صادر شود و از تو به یک اشارت، از ما به سر دویدن.

تجلی بعثت و فهم مبتنی بر بصیرت

اما آنچه عجیب بود و اکنون نکات آن نیز ارائه خواهد شد، این بود که مردم در اینجا به جای امام نشستند. همان چیزی که در نخستین پیام امام سید مجتبی خامنه ای بدان اشاره شده است: «مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا». این نکته بسیار حائز اهمیت است. مردم به جای امام نشستند، خودشان تشخیص دادند، فهمی مبتنی بر بصیرت به کار گرفتند و بر اساس آن تشخیص، عمل نمودند و این عمل را نیز استمرار بخشیدند. این قطعاً بعثت است و بعثتی نیست که صرفاً برانگیختگی ای سطحی و ناشی از گستردگی تعلیمات عاطفی به شمار آید.

بعثت مردم در روایات؛ از فساد بنی اسرائیل تا قیام پیش از ظهور

ذیل همین آیه که فرمود: «بَعَثْنَا عَلَيْهِمْ عَبَادًا» - که در بحث طغیان یهود است که این گروه بار دیگر طغیان می کنند و سپس خداوند می فرماید ما مردمی را بر اینان مبعوث می گردانیم تا آنان را به انجام اعمالی خاص وادارند- محمد بن یعقوب به نقل از سلسله روایت خود از امام صادق (ع) روایت می کند. ایشان ذیل این آیه که در تفسیر البرهان نیز بدان اشاره شده است - «وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لُتْفُسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ»؛ یعنی دو بار در زمین فساد خواهید کرد- فرمودند: «قَتْلُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَطَعْنُ الْحَسَنِ»؛ و درباره «وَلْتَعْلَنَ أَعْلَوُا كِبِيرًا» فرمودند: «قَتْلُ الْحُسَيْنِ». سپس درباره «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا» فرمودند: «دَمُ الْحُسَيْنِ» و درباره «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عَبَادًا لَنَا» فرمودند که مقصود، قومی است که خداوند آنان را مبعوث می گرداند. این نکته بسیار مهمی است که رهبر شهید انقلاب، به نظر من، بحث بعثت مردم را از همین آیه و این روایات بیان فرموده اند. سپس در ادامه روایت آمده است: «وَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ». پس از آن نیز حضرت فرمودند: «قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ»؛ خدای متعال قومی را پیش از خروج امام زمان (عج) مبعوث می گرداند که این قوم در برابر طغیان یهود ایستادگی می کنند. این مطلب، نکته ای بسیار مهم به شمار می رود.

بعثت عمومی ملت ایران؛ فراسوی تحریک عواطف

پس این نکته به روشنی قابل اثبات است که آنچه ما بعثت عمومی ملت ایران می نامیم، قطعاً و بدون هیچ شکی، همین بعثت است؛ یعنی یک واکنش ناشی از تحریک صرف عواطف و احساسات به شمار نمی رود. ویژگی این کنش آن است که تشخیص، به موقع و مبتنی بر فهم صورت می پذیرد؛ سپس کنشی متناسب با آن

تشخیص انجام می‌شود و در ادامه، این کنش با وجود فشارهای روحی و روانی و تهدیدات جانی، استمرار می‌یابد.

تحلیل بعثت عمومی در چارچوب فرهنگ سیاسی

بخش دوم مباحث بدین پرسش اختصاص دارد که این پدیده در چارچوب فرهنگ سیاسی چگونه قابل تحلیل است. در بحث فرهنگ سیاسی، سه نوع فرهنگ سیاسی مطرح می‌گردد: فرهنگ سیاسی انفعالی، فرهنگ سیاسی تبعی و فرهنگ سیاسی مشارکتی.

فرهنگ سیاسی انفعالی

در فرهنگ سیاسی انفعالی، افراد دچار نوعی بی‌تفاوتی هستند؛ به گونه‌ای که اصلاً برای آنان مهم نیست. ممکن است امور دیگری برایشان اهمیت داشته باشد که از جمله می‌توان به بی‌سرپرستی خانه‌ها و دغدغه‌های شخصی اشاره کرد. چنین افرادی اساساً وارد عرصه نمی‌شوند و برای ایشان تفاوتی ندارد که جهان را اگر سیل ببرد، آنان به خواب خود ادامه می‌دهند.

فرهنگ سیاسی تبعی

در فرهنگ سیاسی تبعی، افراد می‌نگرند که رهبرانشان چه می‌گویند و نخبگانشان چه راهنمایی می‌کنند.

فرهنگ سیاسی مشارکتی

اما فرهنگ سیاسی مشارکتی آن چیزی است که اکنون شاهد آن هستیم. این نوع، حدّ اعلای فرهنگ سیاسی به شمار می‌رود. در این الگو، مردم صحنه را می‌شناسند، تهدید را درک می‌کنند، نسبت میان نوع تهدید و حجم آن را به درستی تشخیص می‌دهند، رفتار خود را متناسب با آن بازتنظیم می‌نمایند و حضورشان در صحنه، محکم و مستمر وجود دارد. این مطلب، نکته‌ای بسیار مهم به شمار می‌رود.

تهدید فزاینده و حضور فزون‌طلبانه مردم

به گونه‌ای که حتی مشاهده می‌شود -و این بسیار شایان تأمل است- گاهی به نظر می‌رسد که حضور شبانه مردم در صحنه اندکی کاهش یافته است، اما ناگهان با یک سخن یا رویداد، جمعیت بیش از پیش به صحنه بازمی‌گردد. یا آنگاه که تهدیدها شدّت می‌یابد، حضور مردم فزونی پیدا می‌کند؛ خدایش داند. من این معنا را با تمام وجود درک می‌کنم و این رفتارها بسیار جالب است. به عنوان نمونه، هنگامی که تهدید به زدن این اجتماعات صورت گرفت، دقیقاً در همان شب، جمعیت فزونی یافت. این تجربه‌ای است که به گمان من، شما نیز آن را از سر گذرانده‌اید.

بی‌نظیری حضور مستمر مردمی در تاریخ معاصر ایران

نکته‌ای که وجود دارد و بدون اغراق می‌توان گفت در تاریخ معاصر ایران بی‌نظیر است -من اکنون تاریخ پیش از معاصر را بررسی نکرده‌ام و تخصصی نیز در آن ندارم- آن است که در تاریخ معاصر، حتی در خود انقلاب اسلامی، راهپیمایی‌هایی برگزار می‌شد؛ راهپیمایی‌هایی میلیونی. اما مردم می‌آمدند و در زمان راهپیمایی حضور می‌یافتند و سپس باز می‌گشتند. اما اینکه شما مستمر در میادین حضور داشته باشید، قضیه‌ای دیگر است. اکنون اعلام شده است که در ده هزار نقطه از کشور، تجمع وجود دارد. ده هزار نقطه، بر اساس آنچه اخیراً «متا» اعلام کرده است -که یاد و نام استاد عزیزم، حضرت استاد مصباح‌الهدی باقری‌کنی را گرامی می‌دارم که این مجموعه و مرکز رشد این متا، جزو زحمات ایشان است؛ خداوند روح ایشان را با ابی‌عبدالله و در معیت رهبر شهید انقلاب محشور گرداند- واقعاً در آن اعلام شده است که پنجاه و سه درصد از مردم در اجتماعات شرکت کرده‌اند. این عددی شگفت‌آور است. ما خود که به تجمع می‌رویم، مشاهده می‌کنیم که بسیاری نیز از پنجره‌ها بیرون می‌آیند، پرچم حمل می‌کنند و شعار می‌دهند. قطعاً تعداد کسانی که مایل به حضور در این تجمعات بوده‌اند، بسیار بیشتر از پنجاه و سه درصدی است که عملاً حاضر شده‌اند. این پدیده، کاملاً بی‌نظیر به شمار می‌رود.

نکته‌ی متناقض در مشارکت سیاسی آگاهانه

در فرهنگ سیاسی پیش‌تر بیان شد که مشارکت از نوع آگاهانه تلقی می‌گردد. با این حال، در شرایط احساس خطر، میزان این مشارکت به شدت کاهش پیدا می‌کند؛ بدین معنا که هرچه هزینه‌ها افزایش یابد، مشارکت پایین‌تر می‌آید؛ اما نکته‌ی جالب در اینجا است که در برخی موقعیت‌ها، هرچند انتظار می‌رفت هزینه‌های بیشتر باعث کاهش مشارکت گردد، در عمل بر میزان کمی و کیفی آن افزوده می‌شد.

نقش رهبر شهید انقلاب در برانگیختگی سیاسی و فرهنگی

نکته پایانی آن است که نقش رهبر شهید انقلاب ما در این برانگیختگی چیست و این موضوع از اهمیت بسیاری برخوردار است. رهبر شهید انقلاب صرفاً یک مرجع سیاسی و حاکم نبودند، بلکه در حقیقت یک مرجع فرهنگی به شمار می‌رفتند. به این معنا که سطح کار از مرجعیت سیاسی به مرجعیت فکری، گفتمانی و فرهنگی تغییر پیدا کرده بود. ایشان تنها به هدایت یک نظام سیاسی اکتفا نکردند، بلکه در پی ساخت انسان کنشگر مجاهدی بودند که تشخیص مسئولیت می‌دهد. این نکته بسیار مهم است: انسانی که خود را نسبت به جامعه بی‌تفاوت نمی‌داند، در بزنگاه‌ها حضور پیدا می‌کند، نعره قدرت‌های بزرگ در او نه تنها ایجاد ارعاب نمی‌کند، بلکه عزم او را برای مقابله افزایش می‌دهد.

تأکید بر گفت‌وگو با مردم به دلیل فقاقت ذاتی آنان

در این زمینه نکته‌ای دیگر نیز به یاد دارم که در مشهد مقدس و در یکی از سخنرانی‌های ابتدای سال، ایشان فرمودند: «مردم ما فقیهند». این عبارت بسیار جالب است که مردم ما فقیهند و تشخیص می‌دهند، بنابراین با این مردم باید با گفت‌وگو رفتار کرد. همین سخن، همان حرفی است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز بیان می‌فرمودند: هرگز نگوئید «به من امر شده است، پس من امر می‌کنم و باید اطاعت شوم». به جای آن، حضرت به مالک اشتر فرمودند: «برای مردم توضیح بده».

رهبر شهید انقلاب، وارث تجربه انباشته شده از اهل بیت (ع)

آیا می‌توان گفت رهبر شهید انقلاب از امیرالمؤمنین (ع) بهتر بوده است؟ به هیچ وجه؛ این سخن اساساً غلط است. نکته‌ای که وجود دارد آن است که ایشان وارث یک تجربه انباشته و مترکّم شده بود. این تجربه از کجا نشأت می‌گرفت؟ از آن تجربیاتی که وجود مقدس اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام برای ما به ارث گذاشتند. خود ایشان در سخنرانی مردم تبریز که آخرین سخنرانی عمومی‌شان بود، فرمودند: «مردم ما درس‌های اسلامی و شیعه خودشان را به خوبی یاد گرفته‌اند». آن سفره‌ای که اهل بیت علیهم‌السلام پیش روی ما باز کردند و آن درس‌هایی که بود، ایشان در این فرصت طولانی زعامتی که داشتند، توانستند این مفاهیم را - آن مفاهیمی که از اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده و مفاهیم قرآن را - آرام آرام در جان مردم وارد کنند و مردم با این مفاهیم بزرگ شوند. این نکته بسیار مهمی است؛ و لذا آنچه امروز مشاهده می‌کنید، آن است که ما با مردمی سروکار داریم که حتی در غیاب امام خود، نقش امامت را عهده‌دار می‌شود.

نقش خون شهدا و رهبری در تکامل انسان کنشگر

البته باید این نکته را نیز بیان کنم که برای تحقق این امر - یعنی شکل‌گیری انسان مسئول، کنشگر، فعال، دارای تشخیص و مجاهد در کنار آن تعلیم و تربیت - نیاز به عامل دیگری نیز وجود داشته است. آن عامل، اثر خون رهبر معظم انقلاب است. خون، خون پرحرمتی است. این را مطرح می‌کنم که خون، خون پرحرمتی می‌باشد. افراد این حقیقت را نه از روی احساس، بلکه با تمام وجود و با ایمانشان درک کرده‌اند که این خون، خونی است که برای اسلام فدا شده است. این خون، نقشی شتاب‌دهنده و شگفت‌انگیز ایفا کرده است.

ضرورت تبیین بعثت

اما نکته‌ای که وجود دارد و آخرین مطلب من به شمار می‌رود، آن است که ما باید تلاش کنیم این بعثت را اولاً تبیین نماییم. متأسفانه جامعه‌شناسی ما بعضاً الکن است، مردم‌شناسی ما الکن است و واقعاً باید این تبیین صورت بگیرد.

ساماندهی ظرفیت مردمی

ثانیاً تلاش کنیم که پس از این قضایا - اگر ان شاء الله جنگ با آبرو تمام شود - این ظرفیت عظیم را به کار بگیریم. این ظرفیت همچون سیلی است که نشان می‌دهد می‌تواند بسیاری از موانع را برطرف کند. ما باید این را کانالیزه و سازمان‌یافته کنیم و بتوانیم از این ظرفیت حضور مردمی استفاده نماییم. اکنون هسته‌های مقاومت در خانه‌ها تشکیل شده است؛ این نکته بسیار مهمی می‌باشد. اکنون هر خانه‌ای هسته مقاومت شده است. مساجد پیش از این، این نقش را نداشتند، اما اکنون مساجد به پایگاه تبدیل شده‌اند. خودمان به مسجد می‌رویم و از مسجد شروع می‌کنیم؛ در واقع به مسجد بازمی‌گردیم.

بهره‌گیری از ظرفیت مردمی پس از جنگ

نکته آخر آن است که تلاش کنیم از آنچه تبیین و سازماندهی کرده‌ایم، برای حل مشکلات کشور، به‌ویژه در دوره پسا جنگ، استفاده نماییم.

مباهله روزانه مردم ایران و امید به نصرت الهی

ان شاء الله خداوند متعال به فضل و کرم خودش، به واسطه این مباهله‌ای که هر روز مردم ما انجام می‌دهند، نصرت خود را فرو خواهد فرستاد. به یاد داریم که پیامبر اسلام در مباهله مقابل مسیحیان نجران، نزدیکان خود را برد. آن‌ها هنگامی که دیدند پیامبر عزیزانش را آورده و به حقانیت راه خود این‌قدر معتقد است، خداوند نصر خود را بر ایشان نازل کرد و دشمنان عقب‌نشینی نمودند. اینجا نیز همین گونه است. مردم ما واقعاً هر روز مباهله می‌کنند؛ در زیر خطر بمباران و زیر خطر فشارها. خود خدای متعال ان شاء الله به واسطه این مباهله‌هایی که مردم ما از روی تحدی انجام می‌دهند - مباهله در مقابل دشمن مستکبر آمریکای صهیونیست - نصرت خویش را بر این مردم نازل خواهد گردانید.

آقای دکتر گنجی

مقدمه

یکی از افتخارات بزرگ من که اکنون پس از شهادت رهبر شهید انقلاب برایم ملموس‌تر و عمیق‌تر شده است، این بود که در زمان حیات ایشان، دو کتاب موضوعی با محوریت اندیشه و سیره ایشان نوشتم. یکی از آن دو کتاب به روش تحلیلی ایشان اختصاص داشت و کتاب دیگر به بررسی دقیق و مو به موی انطباق سیره، اندیشه، عملکرد و رفتار ایشان با امام می‌پرداخت. از همین رو، به واسطه این دو تجربه پژوهشی، فرصتی برای من فراهم شد تا بخش گسترده‌ای از محتوای فکری، تحلیلی و عملی ایشان را در طول حدود چهل تا پنجاه سال به دقت مرور کنم و به ذهنیتی محتوایی و نسبتاً جامع درباره منظومه فکری و رفتاری ایشان برسم.

در این فرصت کوتاه، با توجه به نکاتی که ارسال کرده بودند، به ویژه آنچه به گمانم در بند سوم آمده بود، به این جمع‌بندی رسیدم که یکی از مهم‌ترین وجوه اثرگذاری ایشان، مدل‌سازی‌هایی بود که در عرصه رهبری انجام دادند؛ مدل‌سازی‌هایی که به تدریج به زیرساختی برای بعثت عمومی ملت تبدیل شد. ایشان با طراحی، تبیین و نظریه‌پردازی این الگوها، چندین مفهوم اساسی را در فضای فکری و اجتماعی جامعه صورت‌بندی کردند؛ مفاهیمی که هم در ارتقای فهم سیاسی مردم نقش‌آفرین شد، هم به روشن‌تر شدن چشم‌انداز آینده مسیر کشور و انقلاب کمک کرد و هم در تعمیق شناخت جامعه نسبت به دشمن و شیوه‌های مواجهه با آن اثرگذار واقع شد.

من پنج- شش مورد از این مدل‌سازی‌ها را، اگر فرصت فراهم شود، در همین مجال کوتاه عرض می‌کنم؛ مدل‌هایی که در مجموع یک منظومه منسجم را شکل می‌دهد. این پنج- شش محور، در واقع بیانگر مدل فکری و بینشی است که ایشان به مردم ما ارائه کردند و حاصل جمع همه آن‌ها، شکل‌گیری منظومه‌ای است که هم به ایستادگی ما معنا می‌دهد، هم دشمن‌شناسی ما را تعمیق می‌کند، هم افق‌شناسی ما را تقویت می‌کند و به طور کلی مجموعه‌ای از این ابعاد را در کنار هم سامان می‌دهد.

این موارد را بدون آن‌که بر ترتیب و توالی خاصی اصرار داشته باشم، بیان می‌کنم؛ خودم نیز آن‌ها را به همین صورت استخراج کرده‌ام و تقدم و تأخری برایشان قائل نشده‌ام. شما می‌توانید متناسب با نیاز و تشخیص خود، دسته‌بندی و اولویت‌بندی دیگری برای آن‌ها در نظر بگیرید و این کار هیچ اشکالی ندارد.

تبدیل ادعا به باور عملی در میان ملت

یکی از نکات بسیار مهم این است که ایشان از مدتی پیش ادعایی مطرح کردند و آن ادعا در عمل در میان ملت ما به باور تبدیل شد. مردم ما این باور را در جنگ رمضان مشاهده کردند. در جنگ دوازده‌روزه نیز همین امر را مشاهده کردند. در حمله به کنسولگری مان در سوریه و در واقعه شهادت هنیه مردم آن را مشاهده کردند. پیش‌تر، هنگامی که داعش به مجلس و حرم امام(ره) حمله کرد و در شلیک ما به دیرالزور نیز، مردم این موضوع را مشاهده کردند. علاوه بر این‌ها، در قضیه عین‌الأسد و سرنگون‌سازی پهپادهای آمریکایی در خلیج فارس مردم همان را مشاهده کردند.

ضرورت اشراف بر تاریخ معاصر

تمام آنچه گفته شد را کنار جمله رهبر شهید انقلاب که پیش از وقوع همه این حوادث بیان کردند «دوران بزن‌دررو تمام شده» قرار دهید. این عبارت اگرچه تا حدی غرورآمیز به نظر می‌رسد، اما برای درک واقعی آن نیازمند اشراف بر تاریخ معاصر ایران هستیم. در صورت نداشتن این اشراف، این موضوع برای مخاطب اهمیت

قابل توجهی تولید نخواهد کرد. در طول تقریباً دویست سال گذشته، ملت ما بیش تر متحمل ضربات سیاسی و اقتصادی شد و واکنش مؤثر نظامی و سیاسی نشان نداد. سلسله تحولات شامل تجزیه‌ها، قراردادهای استعماری، حکمرانی دست‌نشانندگان و کودتاها بوده و حاصل آن جز آسیب پی‌درپی نبوده است. ادعای پایان «بزن درو» را می‌توان در تجربه جنگ چهل‌روزه به عنوان نمونه‌ای عینی مشاهده کرد که به اثبات رسید. در آن تجربه معلوم شد طرف مقابل قادر نیست تنها طی سه روز حمله کند و سپس فرار نماید. ما با ایجاد معادلات جدید برای دشمن، امکان براندازی، فروپاشی و تجزیه را دچار اختلال کردیم و مدیریت اهداف راهبردی مانند تنگه هرمز را در دست گرفتیم.

تبیین دوگانه سازش و مقاومت و سنجش هزینه‌ها

موضوع دوم، مفهومی است که ایشان مفهوم‌سازی کردند و در استقامت و جهت‌گیری مردم در فهم صحنه تأثیرگذار بوده است. ایشان بارها این تبیین را ارائه کردند و دوگانه «سازش» و «مقاومت» و هزینه‌های هر یک را شمردند. وقتی این ترازو را بیاورید و دو طرف را در آن بگذارید، دقت تعبیر ایشان را متوجه می‌شوید. به هر حال، هزینه‌های «سازش» ممکن است در کوتاه‌مدت موجب بزرگ‌تر شدن سفره شود، اما اثرات تاریخی آن هولناک خواهد بود. این تحلیل دقیق، در شکل‌گیری رویکرد عمومی نسبت به «مقاومت» نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده است.

نقد سازش قاجار و تأکید بر مقاومت

ما اکنون پس از حدود دویست و سه سال از قرارداد ترکمنچای اینجا نشسته‌ایم؛ یا حدود دویست و بیست سال از قرارداد گلستان گذشته است. آیا اکنون هیچ حقی برای سازش فتحعلی شاه یا قاجاریه با روسیه قائل می‌شویم؟ وقتی بندهای قرارداد ترکمنچای را می‌خوانیم، از سر شرم عرق می‌ریزیم. تنها بندی که ظاهراً به نفع ماست، از همه خفت‌آورتر است. در آن بند، روسیه متعهد شده از ولایتعهدی عباس میرزا حمایت کند؛ یعنی روسیه پادشاه آینده ایران را تعیین خواهد کرد. این، افتخار این سند به شمار می‌آید. لذا این دوگانه «مقاومت» و «سازش» که مبنای مقاومت ما در برابر هزاران گونه تحریم قرار گرفت، اهمیت تاریخی پیدا کرد. واقعاً برخی مسئولان کشور مبهوت شدند، اما ایشان با این رویکرد و با اعتمادی که به مردم داشتند، آن را تا روز شهادتشان پیگیری کردند.

فهم غرب در مدل مواجهه رهبر شهید انقلاب

یکی از مؤلفه‌های دیگر بسیار مهم در مدل‌سازی ایشان، فهم غرب است. نمی‌خواهم این فهم را از جنبه‌های فلسفی یا تمدنی تبیین کنم و فقط منظورم رابطه و مناسبات سیاسی غرب و نظام سلطه است. ایشان مدلی روشن برای فهم غرب داشتند و در تمامی مواجهه‌ها از آن مدل بهره بردند.

لازم به یادآوری است که از آغاز انقلاب تاکنون دست‌کم شش یا هفت بار با آمریکا مذاکره کرده‌ایم. بعضی گمان می‌برند ما اهل مذاکره نیستیم، اما واقعیت تاریخی چیز دیگری را نشان می‌دهد. در دوران رهبری ایشان، خصیصه استدلال‌محور و اصرار بر مدل مذکور مشهود بود و حتی مرحوم آقای هاشمی گاه اظهار می‌کردند که با رهبر شهید انقلاب کلنجار رفته‌ام و پس از استدلال ایشان چیزی برای گفتن نداشته‌ام. بسیاری از فشارها که از سوی برخی دوستان اصلاح‌طلب وارد می‌شد، هرچند ممکن است از سر دلسوزی بوده باشد، مبتنی بر فهمی واگرا بود. ایشان با آن مدل فهم غرب و با تکیه بر اعتماد به مردم، مسیر سیاست‌گذاری را پیگیری کردند.

دقت پیش‌بینی‌ها و اصل مناقشه با غرب

مدل مفهومی ایشان درباره غرب چنان بود که پیشگویی‌ها، پیش‌بینی‌ها و تحلیل‌های ایشان تاکنون یک بار هم دچار خطا نشده‌اند. مشکل غرب با ما ذاتاً بر سر «وجود» جمهوری اسلامی است و نه موضوع هسته‌ای، موشکی یا منطقه‌ای. موارد هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای صرفاً به عنوان بهانه‌هایی برای فشار و مداخله از سوی غرب مطرح می‌شوند. این فهم عمیق علت مناقشه، مبنای مواجهه‌ها و سیاست‌گذاری‌های ایشان قرار گرفته و مسیر تصمیم‌گیری را شکل داده است.

پیش‌بینی رهبر درباره امتداد مطالبات غرب پس از برجام

برای شما عجب خواهد بود اگر بگویم ایشان وقتی دولت اعلام کرد «می‌خواهم برای مذاکره بروم»، با خوش‌بینی همراه نبود. پس از امضای برجام در مرداد ۱۳۹۴ ایشان هشدار دادند و گفتند که غرب ما را رها نخواهد کرد.

ایشان توضیح دادند که مسئله هسته‌ای صرفاً بهانه است، سپس موشکی را بهانه خواهند کرد و بعد از آن نقش منطقه‌ای و نیروهای برون‌مرزی ما را هدف قرار خواهند داد. ایشان تصریح کردند که این زنجیره مطالبات تا آنجا ادامه خواهد یافت که ابتدا نهادهایی مانند شورای نگهبان را هدف بگیرند، سپس ولایت فقیه را نشانه بگیرند و در نهایت ممکن است به تغییر یا حذف بندهایی از قانون اساسی اقدام کنند. ایشان این روند را مرحله به مرحله پیش‌بینی کردند و وقوع آن را محتمل دانستند.

برجام و آگاهی بخشی ناخواسته به نسل نوظهور

مدل مفهومی که ایشان در رابطه با غرب به کار برده‌اند، بر این اصل استوار است که مشکلات ما با اتکا صرف به توان هسته‌ای و موشکی حل نمی‌شود. تجربه برجام به درستی این مدل را اثبات کرده است. این دستاورد به‌ویژه برای نسل نوظهوری که واژه «دشمن» را بسیار شنیده و برایشان تکراری شده بود و همچنین تصویری از انقلاب، جنگ و امام (ره) نداشتند، حائز اهمیت بسیار است. من در یک سرمقاله از آقای روحانی تقدیر کردم و گفتم که ایشان در کاری که قصد انجامش را نداشت، موفق به انجام آن در جریان انعقاد برجام شد. آن کار این بود که بدون خواست ایشان، کارگاهی برای آمریکاشناسی راه انداخت. این سرمقاله از این جهت مهم است که علیرغم عدم تمایل اولیه، اتفاقی رخ داد و آن تقویت آمریکاشناسی در ملت ما بود. به هر حال این شیوه، یکی از مدل‌های تحلیل رابطه محسوب می‌شود. مدل مفهومی که بحث در آن بر سر وجود است، نه بر سر حدود.

تبیین مدل ماهیت حقیقی در برابر ماهیت حقوقی جمهوری اسلامی

یکی از مدل‌های دیگری که ایشان واقعاً در ذهن مردم ما جای انداخته‌اند و این موضوع برای من بسیار بسیار مهم است، مدلی است که در کتاب «مو به مو» آن را آورده‌ام. ایشان اگر کسی علاقه‌مند باشد (از کسانی که صدای من را می‌شنوند و به این موضوع علاقه دارند)، سخنرانی در دانشگاه علم و صنعت در تاریخ ۲۴ آذر سال هشتاد و هفت دارند. ایشان در آنجا بحث «ماهیت حقیقی و حقوقی جمهوری اسلامی» را طرح می‌کنند؛ یعنی ایشان می‌گویند که این اسم «جمهوری اسلامی» دقیقاً به تنهایی برای ما به درد نمی‌خورد. اگر آن ماهیت حقیقی جمهوری اسلامی را از آن بگیرید، این یک جمهوری اسلامی صرفاً اسمی باقی خواهد ماند. ایشان جایی می‌فرمایند که حتی آمریکا هم با این جمهوری اسلامی صرفاً اسمی مشکل ندارد. به لحاظ حقوقی و در چارچوب ساختارهای حقوقی، حتی رهبر شهید انقلاب فرموده بودند که اگر «عمامه به سر» هم بر سر این نظام بنشیند، آمریکا با آن مشکلی نخواهد داشت؛ اما این ماهیت حقیقی نظام است که محل دشمنی به شمار می‌رود؛ یعنی ساختار جمهوری اسلامی به خودی خود موضوعیتی ندارد.

این ساختار را همه کشورهای دنیا دارا هستند و تفاوت ما با دیگران صرفاً در کم و زیاد شدن دو سه تشکیلات اداری خلاصه می‌شود. لذا ایشان در آنجا ماهیت حقوقی را به عنوان «ظرف» و ماهیت حقیقی را به عنوان «مظروف» معرفی می‌کند. اگر این ماهیت حقیقی را از درون جمهوری اسلامی بیرون بکشید یا درون آن تزریق نکنید، مسئله این جمهوری اسلامی درست همانند مسئله «دندان پوک خوشگلی» خواهد بود که با اولین ضربه فرو می‌پاشد.

رمز استحکام جنگ رمضان، نقش مردم در تحقق ماهیت حقیقی نظام

این استقامت جنگ رمضان، نشان‌دهنده همین واقعیت است که از وضعیت «دندان پوک» پیشگیری شده بود. این نظام، آن ماهیت صرفاً حقوقی نبود. اگر چنین بود، با همان ضربه سه‌روزه کار تمام می‌شد. ما بدون رهبری و بدون فرمانده مشخص، جنگ را اداره کردیم. این استحکام چندروزه از کجا آمده بود؟ از این جهت پدیدار گشت که مردم، آن ماهیت حقیقی را برداشتند و به میدان آمدند. وگرنه جمهوری اسلامی صرفاً مبتنی بر ساختار حقوقی، هیچ موضوعیتی برای مردم نداشت؛ یعنی مردم با انقلاب اسلامی همراه شدند و به خیابان آمدند.

نقش ماهیت حقیقی نظام در پشتیبانی مردمی

حالا فرض کنید که مثلاً همین رئیس‌جمهور فعلی ما که نفر دوم کشور محسوب می‌شود را در نظر بگیرید. فرض کنید هر فرد دیگری را در این کشور مد نظر قرار دهید. چشم‌های خود را روی هویت خاص افراد ببندید. هر کسی که باشد، چه قالیباف باشد، چه حسن روحانی باشد، چه آقای جلیلی باشد و چه اصلاً ظریف باشد، هیچ تفاوتی برای مردم ایجاد نمی‌کرد. این «بعثت» (قیام و حضور مردمی) قطعاً اتفاق می‌افتاد. این پدیده، ناشی از آن ماهیت حقیقی است که مردم از نظام درک می‌کنند، نه ناشی از این ساختارهای صرفاً حقوقی؛ و با اتکا به همان محتواسست که مردم بر مشکلات اقتصادی غلبه می‌کنند و بر آن قدرت نظامی نیز برتری و توفیق پیدا می‌کند.

فلسطین؛ مهم‌ترین مسئله جهان اسلام در مدل‌سازی رهبر شهید انقلاب

نکته بعدی که می‌خواهم مطرح کنم این است که ایشان مدل‌سازی کردند و مهم‌ترین مسئله جهان اسلام را به صدر آوردند. در همه پدیده‌ها - بالاخره سوریه پیش آمد، عراق پیش آمد، افغانستان پیش آمد، یمن پیش آمد، خود فشارهایی که بر جمهوری اسلامی وارد شد پیش آمد، داستان بوسنی پیش آمد - ایشان هیچ‌گاه این مسئله را گم نکردند. ایشان فرمودند که مهم‌ترین مسئله جهان اسلام، فلسطین است؛ یعنی این راه را هیچ‌گاه از صدر نگذاشتند که به پایین بیاید. این مسئله حتی از تهدیدات متوجه جمهوری اسلامی نیز بالاتر و مهم‌تر محسوب می‌شود. لذا نگه‌داشتن مسئله فلسطین در افق دید و در همان جایگاه رفیع، ضرورتی انکارناپذیر بود تا مردم بفهمند که ما هیچ موضوعی مهم‌تر از این نداریم. در مواجهه با غرب نیز ما مسئله‌ای مهم‌تر از فلسطین در پیش رو نداریم. این نگاه و این باور، الحمدلله، در ذهن مردم ما باقی ماند و تثبیت شد.

ابرتحلیل‌گری رهبر شهید انقلاب فارغ از جایگاه رهبری

یکی از نکات دیگر که بسیار مهم است، مدل تحلیل ایشان بود. شما بدانید که من کتاب روش تحلیل را نوشته‌ام. ایشان جدای از بحث رهبری‌شان - شما یک لحظه در ذهنتان رهبری رهبر شهید انقلاب را خط بزنید و ایشان را به عنوان یک شخص حقیقی در نظر بگیرید - واقعاً یک ابرتحلیل‌گر به شمار می‌رفتند. این ابرتحلیل‌گری‌شان ناشی از جایگاه رهبری نبود، بلکه از ویژگی‌های شخصی خودشان نشأت می‌گرفت. این برخاسته از همان تجربه، همان حکمت و همان دانایی بود. با همین ویژگی‌های ممتاز انسانی که ایشان دارا بودند، وقتی تحلیل می‌کردند، شما در طول این سی و هفت هشت سال هیچ نوع بالا و پایین و تناقضی مشاهده نمی‌کنید. این مسئله جای تعجب دارد که ایشان دیروز یک گونه تحلیل نمی‌کرد و امروز گونه‌ای دیگر. بین مبانی تحلیل ایشان و سیاست‌ورزی عملی‌شان یک رفت و برگشت عجیبی حاکم بود. روی این موضوع بسیار کار کرده‌ام. ایشان مبانی و اصولی داشتند که به صورت سیستماتیک و هوشمندانه بر آن‌ها احاطه کامل داشتند. ایشان در طول چهل تا پنجاه سال، هیچ حرفی خلاف آن مبانی و اصول بیان نکردند.

ذهن سیستمی و التزام عملی به اصول

برای نمونه، راه و مرام رهبر شهید انقلاب را در نظر بگیرید. ایشان همواره به اصولی پایبند بودند که برخی از آن‌ها عبارتند از: ایستادگی، مقاومت، وحدت جهان اسلام، انقلابی‌گری، حمایت از مظلوم، نفی اشرافی‌گری، قانون‌مداری، مرزبندی با غیرخود، مردم‌سالاری، استقلال همه‌جانبه کشور، عدالت، تجدیدنپذیری مسیر انقلاب (چنانکه در بیانیه گام دوم نیز این موارد تصریح شده است)، آرمان‌گرایی، جهان‌بینی توحیدی و توکل بر خدا. شما می‌توانید یک بار دیگر مجموعه سخنان ایشان را مرور کنید و ببابید که آیا هیچ موردی از نقض یا تخلف از این اصول در کلام یا عمل ایشان دیده می‌شود یا خیر. ایشان از ذهنی کاملاً سیستمی و منسجم برخوردار بودند. کسانی که پس از ایشان حرکت می‌کردند، در حقیقت به دنبال درک محتوای عمیق اندیشه‌های ایشان بودند، نه صرفاً دلدادگی و محبت عاطفی (اگرچه همان محبت نیز ضرورتی انکارناپذیر داشت). ما در این زمینه انسان‌هایی را سراغ داریم که در سایه اتصال و پیوستگی با این ذهن نظام‌مند و بی‌تناقض، به رشد فکری و معرفتی قابل توجهی دست یافتند. این ذهنیت سیستماتیک هرگز به تناقض‌گویی دچار نمی‌شد و در نتیجه، مخاطبان خود را نیز هرگز سرگردان و حیران رها نمی‌کرد.

یکی از مواردی که بسیار مهم است، این موضوع می‌باشد. اکنون همان وزیر خارجه آمریکا در کنگره اخیراً چنین می‌گوید که ایران یکی از مشکلاتش این است که نگاه ژئوپلیتیک به مسائل ندارد، بلکه نگاه ایدئولوژیک دارد. به خاطر همین مسئله نیز آقای ترامپ رسماً هم‌اکنون با آقای شی (رئیس‌جمهور چین) تماس تلفنی

برقرار می‌کند و با آقای پوتین نیز گفت‌وگوی تلفنی انجام می‌دهد، ولی نمی‌تواند با رهبر ایران به صورت تلفنی صحبت کند.

عقلانیت دینی در مقابل نگاه صرفاً ایدئولوژیک

این نگاه ایدئولوژیک که بعضاً روشنفکران ما دنبال می‌کردند، موضوعی قابل تأمل است. من در دو باری که این محتوای آقا را موشکافانه بررسی کردم، به این نتیجه رسیدم. ایشان ضمن اینکه آن نگاه اعتقادی به مبانی را دارا هستند (من برای ایشان پرهیز دارم از کلمه «ایدئولوژیک» استفاده کنم)، به شدت عقل‌گرا بودند؛ اما این عقل را در چارچوب دین توسعه می‌دادند و از آن بهره می‌بردند. مثلاً بعضی وقت‌ها حرف‌هایی ایشان می‌زدند؛ در ۷ اکتبر که حماس به اسرائیل حمله کرد و آن داستان پیش آمد، ایشان بلافاصله اقدام حماس را تأیید کردند، اما در عین حال فرمودند که با ما هماهنگ نکرده بودند. این مسئله می‌توانست برای ما تحلیل‌های فراوانی به همراه داشته باشد که این حرف چه مقدار دستاورد برای ما داشت و اصلاً چه مقدار دستاورد برای خود حماس به شمار می‌رفت.

حکمت؛ حاصل تقوا و تجربه در تصمیم‌گیری

یا مثلاً در مدل‌های تصمیم‌گیری ایشان، یک نوع عقلانیت خاص حاکم بود. همان عقلانیتی که حاج قاسم از آن تعبیر به «حکمت» می‌کرد. این عقلانیت در حقیقت از همان تقوا و تجربه به دست می‌آید. من نمی‌خواهم یک وقت بگویم که ایشان معصوم بودند و ما هرگز نباید چنین نسبتی را برقرار کنیم. در حقیقت، همین تقوا و همین تجربه، دو عنصر اصلی به شمار می‌رفتند که خود آقا نیز معتقدند امام (ره) نیز همین گونه بودند.

تصمیمات عقلایی رهبر شهید انقلاب در مدیریت مسائل

انتخاب‌های عقلایی که ایشان داشتند، مثال‌های متعددی را شامل می‌شود. از جمله در انتخابات مجلس ششم، یا در نحوه حل مسئله با شورای نگهبان، یا نهی احمدی‌نژاد از حضور در انتخابات (مثلاً در سال نود و شش). در کتاب خود یا در خاطرات آقای عباس ربیعی این موارد را آورده‌ام. ایشان مصوبه شورای عالی امنیت ملی را برای حمله به افغانستان (پس از شهادت دیپلمات‌های ایرانی در مزار شریف) تأیید نکردند. ما آن مصوبه را به دفتر رهبر شهید انقلاب فرستادیم. صبح که آمدم، نوشته بودند: «مخالفت می‌شود». آقا رحیم می‌گوید: «ما آرایش نظامی را جمع کردیم». اگر ما وارد افغانستان می‌شدیم، وارد سرزمینی می‌شدیم که برای انگلیس باتلاق بود، برای روسیه شوروی باتلاق بود و برای آمریکا نیز باتلاق به شمار می‌رفت. ایشان نگذاشت که ما وارد آن باتلاق شویم.

در برابر فشار اصلاح‌طلبان برای ورود به جبهه صدام در اردوگاه «خالد بن ولید»، صحنه به گونه‌ای دیگر رقم خورد. مرحوم محتشمی‌پور در مجلس سخنرانی کرد، اما ایشان هرگز اجازه ندادند که ما خود را درگیر آن نبرد کنیم. همچنین در ماجرای مبارزه با داعش، آمریکایی‌ها این‌گونه القاء می‌کردند هر نیرویی که خواهان مقابله با تروریسم است، ناگزیر باید پشت سر ما حرکت کند. ایشان قاطعانه فرمودند: «نه، ما به طور مستقل با تروریسم مبارزه خواهیم کرد» و چنین نیز عمل کردند. آنگاه به آمریکایی‌ها فهماندند که شما به دنبال ما بیایید، نه ما به دنبال شما. این نمونه‌ها نشانگر مدل‌هایی از انتخاب عقلایی برای مدیریت کشور هستند. طبیعتاً چنین تجاربی برای رهبر کنونی ما، سرمایه‌ای ذی‌قیمت محسوب می‌شود. این نکته نیز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

احیای اندیشه‌ورزی با الگوی پنج‌گانه تمدن اسلامی

نکته بسیار مهم دیگر این بود که ایشان هرگز غافل نبودند. همان‌طور که می‌دانید، حوزه اندیشه در کشور ما پس از انقلاب - به جز پنج سال اول - تقریباً به تعطیلی کشیده شد. به نظر من، هنوز هم این تعطیلی ادامه دارد. نه صدا و سیما کاری در این زمینه انجام می‌دهد و نه نمادی از اندیشه‌ورزی از دانشگاه‌ها بیرون می‌آید. البته مباحثی که شهید بهشتی با دیگران مطرح می‌کردند و همچنین رهبر شهید انقلاب که چند مدل از حکومت شاه (مانند مسئله آزادی و بحث زنان) را در دو سه مورد به اجرا درآوردند، در این میان استثناء محسوب می‌شوند.

یکی از مهم‌ترین کارهایی که ایشان انجام دادند و آن افق مبهم را روشن ساخت، همان «مراحل پنج‌گانه تمدن اسلامی» بود. ایشان این نگاه تمدنی را از همین دریچه در برابر غرب به نمایش می‌گذاشتند و اسلام را چنان به رخ می‌کشیدند که گویی این مراحل پنج‌گانه را ما باید حتماً طی کنیم. حالا چرا ما مثلاً می‌گوییم نظریه روستو در غرب این مراحل را دارد و نظریه مارکس از کمون اولیه تا انقلاب‌های پرولتاری نیز از چنین مرحله‌ای برخوردار است؟ ایشان آمدند و مدل‌سازی کردند؛ به عبارت دیگر، برای کسانی که می‌خواهند کار فکری و کار تئوریک انجام دهند تا بتوانند آینده را رصد کرده و برای آن مدل بسازند - چه مدل آرمانی و چه مدل عینی برای اداره کشور - الگویی نوین ارائه دادند.

تئوری‌پردازی؛ ویژگی مشترک رهبران انقلاب‌های بزرگ

بنابراین یکی از موارد بسیار مهم این بود که ایشان در واقع تئوری‌پردازی می‌کردند. در مبحث تئوری‌های انقلاب که من سال‌ها آن را تدریس می‌کردم، موضوعی وجود دارد که بر اساس آن، رهبران انقلاب‌ها یکی از این سه ویژگی را دارا هستند: یا ایدئولوگ‌اند، یا دگرگون‌سازند، یا مدیر. همان‌طور که می‌دانید، امام خمینی (ره)

هر سه ویژگی را هم‌زمان دارا بود. ایشان هم نظریه‌پردازی کرد، هم جامعه را دگرگون ساخت و سپس ده سال را به مدیریت کشور پرداخت. در میان رهبران انقلاب‌های بزرگ دنیا - که تعدادشان از پنج یا شش انقلاب بیشتر نمی‌شود - مائو نیز تقریباً به همین شکل عمل کرده است.

رهبر شهید انقلاب؛ نظریه‌پردازی فراتر از مدیریت

اما اکنون باید توجه کرد که رهبر شهید انقلاب دیگر دگرگون‌ساز از جهت انقلاب به معنای کلاسیک آن نبودند، زیرا ایشان به روش نهادی و قانونی انتخاب شده بودند. با این حال، افزون بر مدیریت، به بحث تئوری‌پردازی نیز اشتغال داشتند؛ به عبارت دیگر، عملکرد ایشان صرفاً مدیریتی نبود و شاید بتوان گفت که شاخص‌ترین تئوری‌پرداز کشور ما به شمار می‌رفتند. البته تئوری‌پردازی هیچ‌گاه به جایگاه وابسته نیست و هر کسی می‌تواند از داشته‌ای همچون هوش، ذهنیت مطالعاتی و تحصیلات دانشگاهی بهره بگیرد. نمونه بارز این مدعا، اساتیدی هستند که هم‌اکنون در غرب به نظریه‌پردازی اشتغال دارند، در حالی که هیچ مسئولیت حقوقی و تشکیلاتی را بر عهده ندارند؛ اما ایشان این عرصه را هرگز غافل نماندند. هم در عرصه شنیدن (به گونه‌ای که آن جلسات راهبردی گاهی سه تا چهار ساعت به طول می‌انجامید) و هم در عرصه نظریه‌پردازی، حضوری فعال و هوشمندانه داشتند.

اشراف بی‌نظیر رهبر شهید انقلاب بر تاریخ

من به عنوان یک دانش‌آموخته سیاست، واقعاً از میزان اشراف ایشان به تاریخ معاصر ایران و نیز آگاهی عمیقشان نسبت به انقلاب‌های جهان در شگفتی فرو می‌رفتم. گاهی چنان مات می‌ماندم که این مطالب را ایشان از کجا می‌گویند؛ چرا که ما چنین مطالبی را نه از استادان خود شنیده بودیم و نه خودمان آن‌ها را خوانده بودیم. برای نمونه، در همین اواخر حیاتشان، کنگره‌ای به مناسبت بزرگداشت میرزای نائینی برگزار شد. ایشان در آن دیدار تعبیری را درباره میرزای نائینی به کار بردند که من واقعاً برای نخستین بار بود آن‌ها را می‌شنیدم. در همان زمان نیز مطلبی نوشتم و تأکید کردم که این تازه‌هایی را که ایشان مطرح می‌کنند، با وجود اینکه ما این همه کتاب سیاسی خوانده و سال‌ها نزد اساتید تلمذ کرده‌ایم، هرگز نشنیده بودیم. سخنان ایشان واقعاً متفاوت و سرشار از نکات نو و بدیع بود.

جهان‌شناسی تاریخی بی‌بدیل رهبر شهید انقلاب

برای نمونه، ایشان در رابطه با انقلاب فرانسه تحلیلی ارائه داده‌اند. از کسانی که این سخنان را می‌شنوند، خواهشمندم که این تحلیل را پیدا کرده و مطالعه کنند. من تاکنون هیچ تحلیلی درباره انقلاب فرانسه به جامعیت و عمق تحلیل ایشان ندیده‌ام. به عبارت روشن‌تر، ایشان یک جهان‌شناس برجسته به شمار می‌رفتند.

جهان را به درستی می‌شناختند و تاریخ را نیز به خوبی فراگرفته بودند. سپس تمام این دانسته‌ها را با تجربه‌های عملی به دست آمده در جریان انقلاب اسلامی، چنان در هم می‌تنیدند که حاصل کار، منظومه‌ای بدیع و کم‌نظیر از معرفت و عمل می‌شد.

اکسیری به نام صداقت؛ ایستادگی تا پای جان

شخصیت ایشان واقعاً به یک اکسیر تبدیل شده بود. مردم آن بخش از حضورشان را که ریشه در همین اکسیر دارد، به خوبی درک می‌کنند؛ خصوصاً از این رو که دیدند ایشان بر سر آنچه می‌گویند، هرگز شعار نمی‌دهد. به تعبیر امام صادق (علیه‌السلام) «به غیر از زبانتان» عمل می‌کند. بر همان مسیری که برای مردم ترسیم می‌کند، خود تا پای شهادت ایستاده است؛ یعنی هیچ‌گاه نگفت که فقط مردم بروند نه، خودش ایستاد؛ چه در سیره زندگی شخصی، چه در مبارزه با استکبار، چه در برابر مشکلات کمرشکن. خود امام (ره) نیز در آن ده سال نخست - که می‌گویم مشکلات پس از پیروزی واقعاً کمرشکن بود - چنین وضعی داشت. ما در آن دوران این تحریم‌های گسترده را نداشتیم، این وضعیت طاقت‌فرسا را تجربه نمی‌کردیم، این تورم را نداشتیم و این حجم از توقعات اجتماعی نیز وجود نداشت. واقعاً استقامتی که ایشان در این سی و هفت سال از خود نشان دادند، برای مردم کاملاً عیان است؛ و در تمام این مدت، هیچ چیز هم برای خودشان نخواستند.

حضور به موقع رهبر شهید انقلاب در بحران برجام و ارز

در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۷ بود که ترامپ از برجام خارج شد. همان‌گونه که به خاطر دارید، از اواخر اسفندماه سال ۱۳۹۶، طوفانی در قیمت‌ها پدیدار گشته بود. ناگهان بازار آشفته شد و نرخ ارز از سه هزار و ششصد تومان در همان مردادماه به دوازده هزار تومان رسید. در آن هنگام، آقای همتی وارد ماجرا شد و مآجرهای بعدی نیز پیش آمد. کابینه عملاً از هم پاشیده بود. من دقیقاً به یاد دارم که آقای جهانگیری که معاون اول رئیس‌جمهور بود، پشت تریبون چنین گفت: «با پول اورت» (این تعبیر دقیقاً از ایشان بود) «ننه‌جان من هم می‌تواند کشور را اداره کند. باید با همین مشکلات کشور را اداره کرد.» این سخن نشان می‌داد که کابینه عملاً در برابر مشکلات کم آورده بود. قرار بود طبق سنت تاریخی، در هفته‌ی اول شهریورماه، کابینه با رهبری دیدار کند؛ اما ایشان در همان مردادماه، یعنی حدود یک ماه یا شاید بیست روز پیش از آن ملاقات موعود، اعضای کابینه را فراخواندند و آن‌ها را از نظر روحیه و انگیزه شارژ کردند. ایشان فرمودند: این چه وضعی است که شما کپ کرده‌اید؟ باید با استقامت عمل کنید و راه‌های اداره کشور را پیدا کنید. مگر با دیدن چهار تا تغییر قیمت و این مسائل، ول می‌شوید؟. به هر حال، دولت آقای روحانی دوام آورد و تا سال ۱۴۰۰، کار خود را تحویل داد.

معجزه ایستادگی در برابر فشار اقتصادی

لذا این چنین تولید و تزریق استقامتی که امروز مردم ما با آن در خیابان‌ها زندگی می‌کنند، پدیده‌ای شگرف به شمار می‌رود. این تجمع شصت و دو روزه در فرهنگ ایرانی و فرهنگ تشیع، واقعاً در طول هزار و چهارصد سال بی‌نظیر است. بله، ما در تاریخ خود تجربه تجمع، حرکت و قیام داشته‌ایم، اما هرگز این استمرار را هرگز نداشته‌ایم. همان مردمی که سال سی و پنج هجری در مدینه با امیرالمؤمنین علیه‌السلام بیعت کردند، بخشی از همان مردم در عرض چهار سال و اندی، سه جنگ با ایشان به راه انداختند. پس از آن نیز امیرالمؤمنین به شهادت رسید و با فرزندانش چنان رفتار کردند. با این که آن مردم، شاگردان اول پیامبر بودند و رسول خدا را از نزدیک درک کرده بودند؛ اما بنگرید که مردم ما چگونه عمل کرده‌اند. امام خمینی (ره) دو بار فرمودند که: ملت ما بهتر از ملت رسول‌الله در عهد حجاز و بهتر از ملت امیرالمؤمنین در کوفه است. این چیزی است که واقعاً به وقوع پیوسته است. همین مضمون را رهبر فعلی ما نیز این‌گونه تعبیر فرمودند که: «شما دارید معجزه می‌بینید.» این واقعاً معجزه‌ای است که در برابر این فشار اقتصادی رخ نموده است. این معجزه هرگز از حیّز انتفاع ساقط نخواهد شد.

آقای دکتر رهبر

مردم عزیز ایران در طول هزاران سال، قوت، همّت، حضور و ظهور فرهنگی، تمدنی، معرفتی، صناعی و فنی خودشان را در جای‌جای تاریخ به رخ جهانیان کشیده‌اند. نقطه عطف انقلاب اسلامی، زمینه بروز بیشتر تحول و صعود هویتی ایشان را فراهم آورده است.

خلق مفاهیم بدیع؛ راز برجستگی رهبر شهید انقلاب در تاریخ رهبری ایران

یکی از مهم‌ترین کارهایی که یک نظریه‌پرداز و اندیشمند در طول عمر خود می‌تواند انجام دهد، ایجاد و ابداع مفاهیم مؤثر، اثرگذار، نوآورانه و خلاقانه است. این ویژگی، آن اندیشمند را نسبت به سایر نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران برجسته‌تر می‌کند. رهبر شهید انقلاب نیز از این ویژگی کم‌نظیر - یا حتی در مواردی بی‌نظیر - در عرصه رهبری اجتماعی ایرانیان در طول چند هزار سال برخوردار بوده است. ایشان با خلق مفاهیم بدیع و مؤثر، جایگاه ممتازی در تاریخ رهبری ایران به دست آورده‌اند.

زنجیره معنایی بعثت ملت ایران و بیداری وجدان بشریت

یکی از مفاهیم بدیعی که ایشان به‌تازگی مطرح کرده‌اند، زنجیره معنایی «مبعوث شدن ملت ایران» است. از این مفهوم، می‌توان تعبیر «فرهنگ سیاسی بعثتی مردم ایران» را استخراج کرد. این فرهنگ، مبتنی بر عمق تاکتیکی، راهبردی و اصول بنیادینی است که نجابت تمدن ایرانیان را در طول چند هزار سال نشان داده است.

این نجابت تمدن‌ساز همراه با آن بعثت تمدن‌آفرین، فضایی را ایجاد می‌کند که به قول شهید سلیمانی (ره)، «ظرف انقلاب فقط در ایران محقق می‌شد و بدون ایران انقلاب اسلامی محقق نمی‌گشت». از سوی دیگر، ایران نیز با وجود انقلاب اسلامی می‌تواند به احیای تمدنی و احیای افق روشن دست یابد. این فرآیند، به قول یکی از برجستگان شرقی، پایان‌بخش «عصر خاموشی وجدان بشریت» خواهد بود. ایران امروز با تمسک به این فرهنگ نجیبانه و فرهنگ بعثتی، فارغ از القاب، ظواهر و سلائیق گوناگون جهان امروز، به صدای بیداری وجدان بشریت تبدیل شده است. لذا از این بابت، می‌توان بحث «بعثت»، «بعثت مردمی» و «فرهنگ سیاسی نجیبانه ملت ایران» را مطرح نمود.

نقش نجابت ملی در تبدیل تاب‌آوری اقتصادی به تاب‌آوری هوشمند مقاومت‌محور

نجابت یادشده از این جهت حائز اهمیت است که علیرغم وجود فشارهای مهم اقتصادی تحقق یافته است. بخشی از این فشارها ناشی از تحریم‌ها بوده و بخشی دیگر ناشی از کم‌کارآمدی در برخی عرصه‌ها بوده است. در این فشار شدید اقتصادی و فشار شدید رسانه‌ای موجود و نیز در فضاهای مختلفی که جامعه‌ی ایرانی گریبان‌گیر آن بوده و هر لحظه بروز و ظهور شکاف‌های اصیل را نشان می‌داده‌اند، مردم عزیز ایران چه در جنگ دوازده‌روزه و چه در جنگ رمضان، اولویت‌ها و اصالت خویش را برای بازیابی عزت ملی باز یافته‌اند. ایشان فضایی جدید ایجاد کرده‌اند که در آن، تاب‌آوری اقتصادی و تاب‌آوری دنیوی با مقوله بزرگ‌تری به نام «تاب‌آوری هوشمند مقاومت‌محور» ترسیم شده است.

بعثت جمعی ملت ایران و تبیین رهبر شهید انقلاب از عزت و هوشمندی مردمی

یک بعثت، یک جوشش و یک اراده جمعی برای مردم عزیز ایران اتفاق افتاده است. این پدیده به طور طبیعی ناشی از نوعی فرهنگ سیاسی می‌باشد که مؤلفه‌های فرهنگ و سیاست را در قالب مجموعه‌ای از نگرش‌ها و باورهای جامعه نسبت به نظام سیاسی در خود جای داده است. رهبر شهید انقلاب در دوران جنگ دوازده‌روزه و پیش از جنگ رمضان، به وفور از این عزت، این آقا منشی، این هوشمندی و این بزرگواری مردم ایران یاد کرده است. ایشان از اراده مردم عزیز ایران یاد نموده و به خوبی و با نگاهی کاملاً رضایت‌بخش، این فرآیند را توضیح داده است.

رضایت مطلق رهبر شهید انقلاب

شاید تنها جایگاهی که بتوان به صورت مشخص از رضایت مطلق رهبر شهید انقلاب سخن گفت، حرکت عمومی مردم باشد. این رضایت را می‌توان در شور و خروش مردمی مشاهده کرد که در مسیر اهداف آن

رهبر شهید انقلاب حرکت می‌کردند. همچنین، نگاهی که ایشان در طول حیات طویه خویش نسبت به حرکت عمومی مردم داشتند، مؤید همین معناست.

تحول فرهنگ سیاسی در پرتو انقلاب اسلامی

بحث فرهنگ سیاسی که در دوره‌هایی گوناگون گاه در قالب خصیصه ملی، گاه در قالب فرهنگ مدنی و زمانی در قالب فرهنگ سیاسی مطرح بود، با تالاف انقلاب اسلامی و رهبری امام راحل و نیز رهبری رهبر شهید انقلاب دچار تحولی بنیادین شد. این تحول، مصادیق تازه‌ای را پدید آورد و نظام معنایی فرهنگ سیاسی جامعه‌ی ایران را دگرگون ساخت.

عوامل مؤثر در شکل‌گیری و بازتولید فرهنگ سیاسی

هنگامی که از مفهوم فرهنگ سیاسی سخن به میان می‌آید، باید به عوامل متعددی اشاره کرد که در تولید گونه‌های مختلف آن نقش دارند؛ از جمله فرهنگ سیاسی ذیلانیه یا نجیبانه، مقاومت‌محور یا سازش‌کار. این عوامل عبارتند از: شرایط اقلیمی و جغرافیایی، ساختار نظام سیاسی-اجتماعی، نظام ارزشی حاکم، آداب و رسوم و سبک زندگی، ساختار اقتصادی و همچنین رهبران و کارگزاران سیاسی-فرهنگی. هریک از این عناصر می‌توانند در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی و انتقال فرهنگ سیاسی از نسلی به نسل دیگر تأثیری عمیق و تعیین‌کننده داشته باشند.

نقش فرهنگ سیاسی در شکل‌گیری عاملیت ملی و تمدن‌سازی انقلابی

بدین ترتیب، جایگاه فرهنگ سیاسی در فرآیند فهم و بازخوانی انقلاب اسلامی از چنان اهمیتی برخوردار می‌شود که مردم در بستر آن به این خودآگاهی جمعی دست می‌یابند که نه تنها در حوزه نظر، بلکه در عرصه عمل نیز قادرند سرنوشت سیاسی، فکری و زیستی خویش را رقم بزنند. در این چارچوب، آنان خود را صاحب حق و توانایی می‌دانند که عقاید و باورهای خود را بدون مانع ابراز کنند، در تعیین ساختارهای اجتماعی و سیاسی مشارکت فعال داشته باشند و بر مسیر زندگی فردی و جمعی خود حاکمیت آگاهانه اعمال نمایند. به عبارت روشن‌تر، این نگاه زمینه‌ساز حرکتی بالنده و رو به جلو در چارچوب فرهنگی پیشرو و مادی‌محور تلقی می‌شود؛ فرهنگی که نه تنها اراده جمعی را به رسمیت می‌شناسد، بلکه عاملیت انسانی را محور تغییرات تاریخی قرار می‌دهد و بستری برای تحقق جامعه‌ای خودبنیان و مستقل فراهم می‌آورد.

بعثت مردمی و نسبت الهی آن؛ تحلیلی بر نقش قلوب مؤمنان در نقطه آغاز تحول

هنگامی که بحث از بعثت و به‌ویژه «بعثت مردمی» در چارچوب فرهنگ سیاسی نجیبانه مطرح می‌شود، یکی از موضوعات بنیادین این است که در تمامی آیات قرآن کریم، هر جا سخن از بعثت به میان آمده، این

بعثت به خداوند و ذات اقدس الهی نسبت داده شده است. بدین معنا که آن نوع از بعثت که مشمول اضافه تشریفی و ارزش گذاری اصیل قرار می گیرد، صرفاً بعثتی است که منتسب به الله باشد و هویت و مشروعیت خود را از این انتساب آسمانی کسب کند.

در این چارچوب، بعثت مردمی که رهبر شهید انقلاب به عنوان رهبری حکیم و شهید بر آن تأکید فرمودند، از چنین نقطه آغاز و شروعی برخوردار است. بنا بر این نگاه، خداوند متعال پس از وقوع رخدادهایی بسیار مهم، عمیق و گاه طاقت فرسا که در بازه ای نزدیک به یک سال بر مردم گذشته است - حوادثی سرشار از تأثر، اندوه و تحول های درونی - ناگهان دل ها و قلوب آن مردم را زیر و رو می کند و زیرساخت های عاطفی و اعتقادی ایشان را دستخوش دگرگونی عمیق می سازد. همین دگرگونی درونی و قلبی، نقطه زایش و انفجار یک بعثت مردمی در بستر فرهنگ سیاسی نجیبانه و الهی خواهد بود.

ظهور مردم در گفتمان بعثت مردمی؛ مؤلفه های فرهنگی اقتدار ملی از نگاه رهبر معظم انقلاب

همان گونه که ارسال رسولان و انبیای الهی در طول تاریخ منشأ تحولاتی بنیادین و عمیق در جوامع بشری بوده است، در دوران معاصر نیز حضور و ظهور مردم در جامعه ایران، در قالب همان فرهنگ سیاسی نجیبانه و چارچوب بعثت محور، تجلی گر حقیقتی تازه و امیدبخش است. آنچه این پدیده را شگرف تر می سازد، بازتاب دقیق این نگاه در اولین پیام آیت الله سید مجتبی خامنه ای است. ایشان در آن پیام با اشاره به بصیرت و هوشمندی ملت بزرگ ایران و نیز برجسته ساختن صفاتی چون شجاعت و پایمردی، تأکید می کنند که این مردم هستند که در صحنه حاضر می شوند، رهبری کشور را عملاً بر عهده می گیرند و اقتدار ملی را تضمین و تداوم می بخشند.

بازخوانی مفاهیم ناب رهبر شهید انقلاب؛ راهکاری برای پیوند جامعه، دانشگاه و پژوهشگاه ها

این نکته از چنان اهمیتی برخوردار است که در عرصه پژوهش و به ویژه هنگام تلاش برای برقراری ارتباط مؤثر میان جامعه با دانشگاه، پژوهشگاه ها و پژوهشگاه ها، می تواند راهگشا باشد. به کارگیری مفاهیم بدیع و بسیار مؤثری که رهبر شهید انقلاب، آن ها را خلق و وارد گفتمان سیاسی و اجتماعی کرده اند، می تواند راهکاری کلیدی برای شکل دهی به زبانی مشترک، پویا و کارآمد در عرصه زبان اجتماعی و زبان سیاسی فراهم آورد.

بازخوانی مفهوم «منت الهی» در بعثت

در بررسی مفهومی آیات قرآن کریم، یکی از ویژگی هایی که به شکلی بسیار خاص و در عین حال نادر به آن اشاره شده، بحث «منت» الهی است. خدای متعال می فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ

رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ»؛ یعنی خداوند بر مؤمنان منت نهاد که پیامبری از خودشان را در میان آنان برانگیخت. این منت الهی که بر نهاد بعثت نشانده شده، در جامعه امروز ما نیز قابل تأمل و بازخوانی است. برکات حضور الهی مردم در صحنه‌های سرنوشت‌ساز، به گونه‌ای عمل کرده است که پیامدها و فواید این حضور، نه تنها سوخت موشک‌های ما، بلکه انگیزه دیپلمات‌های ما را تأمین کرده و جامعه بین‌الملل را به تحیر واداشته است.

کارآمدی فرهنگ سیاسی نجیبانه در اقتدار ملی

جالب آنکه در رسانه‌های خارجی و حتی در میان سیاستمدارانی که در توافق برجام حضور فعال داشتند و جزو تیم مذاکره‌کننده آمریکایی بودند، اکنون از مقاومت شریفانه، عزتمندانه و تسلیم‌ناپذیر ملت ایران سخن به میان می‌آید. این اذعان‌ها نشان می‌دهد که توجه به «فرهنگ بعثتی»، «فرهنگ سیاسی نجیبانه» و نیز دقت در مفاهیم، مصادیق و موضوعات مرتبط با آن، می‌تواند ما را در تحلیل دقیق‌تر واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی یاری دهد و افق جدیدی از کارآمدی فرهنگ بومی را پیش روی پژوهشگران و کنشگران سیاسی بگشاید.

شاخص‌های فرهنگ سیاسی نجیبانه و بعثتی ایرانیان

در این بخش، شاخص‌هایی را برای فرهنگ سیاسی نجیبانه و بعثتی ایرانیان برمی‌شمارم؛ فرهنگی که تحت تأثیر انقلاب اسلامی، راهبری رهبر شهید انقلاب شکل گرفته و تداوم یافته است. این شاخص‌ها عبارتند از:

۱. اعتماد به نفس ملی

۲. دشمن‌شناسی

۳. تاریخ‌سازی توسط مردم عزیز ایران

۴. عزت ملی

۵. انقلابی‌گری بصیرانه

این ویژگی‌ها در فضاهاى مختلف بازتولید، واکاوی و بازخوانی می‌شوند و کارآمدی عملی فرهنگ سیاسی نجیبانه را به نمایش می‌گذارند.

جریان‌شناسی مفهوم بعثت در اندیشه رهبر شهید انقلاب و علامه طباطبایی

در اینجا می‌توان به نکته ظریفی اشاره کرد که تمایز میان دو نوع بعثت را روشن می‌سازد:

نخست، بعثت مصداقی و تاریخی که به طور مشخص به پیامبران الهی اختصاص دارد.

دوم، بعثت امت که علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان به آن توجه ویژه‌ای داشته است. بر اساس این دیدگاه و به تعبیر رهبر شهید انقلاب، بحث بعثت محدود به یک مقطع تاریخی خاص (مانند چهارده قرن پیش) نیست، بلکه در تمام جریان‌های زیستی انسان‌ها - در فضای زندگی امروز و فردا - جاری و ساری است.

قرآن کریم در سوره آل عمران می‌فرماید:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» در این آیه شریفه، مفهوم «اخراج شدن» یا «بیرون آورده شدن برای مردم» همان مبعوث شدن برای هدایت جامعه بشری است. بر این اساس، آن مردمی که مبعوث می‌شوند، دیگر صرفاً مخاطب یا پیرو نیستند، بلکه بازیگران فعال تاریخ و حاملان رسالت جهانی قلمداد می‌گردند. از این رو، در نگاه امام حکیم و شهید، تمام بشریت همواره و پیوسته، مخاطب این بعثت و همچنین مخاطب تعلیم و تربیت ناشی از آن خواهد بود.

توحید؛ هسته مرکزی فرهنگ بعثتی

در فرهنگ بعثتی، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصل، رویکرد توحیدی است. این اصل چنان در اعماق هویت جمعی جای گرفته که در همین اجتماعات عظیم مردمی - در لحظه ظهور و حضور ملت - نخستین و بلندترین صدایی که به گوش می‌رسد، فریاد «الله اکبر» است و سپس نغمه «لا حول و لا قوه الا بالله» فضای جامعه را پر می‌کند. در این نگاه، موشک‌ها در آسمان‌اند، اما زمین در دست مردم است؛ مردمی که نه با تکیه بر نیروهای مادی صرف، بلکه با اتصال به «حول و قوه الهی» گام برمی‌دارند.

تعلیم حکمت؛ هدیه بعثت در آینه حضور مردمی

در بررسی فرهنگ بعثتی به عنوان یکی از موضوعات جدی و بنیادین، باید بر این نکته تأکید کرد که «تعلیم حکمت» از جمله هدایای ارزشمند بعثت محسوب می‌شود. آنچه در عرصه حضور و ظهور مردم به روشنی قابل مشاهده است، رویدانی‌های لحظه به لحظه نهال‌هایی است که هر یک نمایانگر دانش، حکمت، غیرت ملی، عزت ملی و همچنین التزام عملی به اصل مقاومت و اصل کرامت می‌باشند؛ به عبارت دیگر، خود مردم با حضور آگاهانه و جانانه خویش، این مفاهیم بلند را از سطح نظریه به عرصه عینیت و کارآمدی می‌کشانند.

تأکید رهبر شهید انقلاب بر عظمت و اراده ملت ایران

بنابراین، اگر بخواهیم با نگاهی دقیق وارد فرهنگ سیاسی نجیبانه شویم و آن را مورد بررسی قرار دهیم، توجه به دیدگاه رهبر شهید انقلاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایشان در دیدار با مردم آذربایجان، به

روشنی به این نکته اشاره فرمودند که سال گذشته، سالی عجیب و استثنایی بود؛ سالی که ملت ایران در چند مرحله و چند وهله، عظمت خویش، اراده پولادین، عزم راسخ و توانایی‌های متنوع خود را به نمایش گذاشت.

نقطه آغازین بعثت مردمی؛ سرآغاز تحول و مبنای قدرت چهارم

نکته‌ای که باید در بحث بعثت مورد توجه قرار گیرد، این است که هرگاه بعثتی رخ می‌دهد، همواره تحولی شگرف همراه با یک نقطه آغازین مشخص، آن را دنبال می‌کند. این بعثت مردمی و حرکت جمعی، در عین حال که خود یک تحول عمیق به شمار می‌رود، منادی امیدی جدی در فرهنگ سیاسی ما نیز هست. نقطه آغازین این حرکت، همان نقطه‌ای است که مردم عزیز ایران - چه در دوره پیش از انقلاب و چه به طور خاص پس از انقلاب - آن را به منصف ظهور رسانده‌اند و مسیر خود را پی گرفته‌اند. این نقطه آغازین، ظرفیت آن را دارد که سرآغاز تحولی عظیم باشد. گوشه‌ای از همین نقطه آغازین، امروز جهانیان را بر آن داشته تا با اعتبار و احترام به مردم ایران، از ایشان به عنوان «قدرت چهارم» یاد کنند.

اعتماد به نفس ملی؛ پاسخ به یک تحقیر تاریخی

در بستر فرهنگ سیاسی نجیبانه، یکی از شاخص‌های برجسته که به وضوح قابل مشاهده است، «اعتماد به نفس ملی» می‌باشد. رهبر شهید انقلاب و امام خمینی(ره)، همواره بر این مسئله تأکید داشته‌اند. ایشان به این نکته اشاره می‌کردند که در زمان جنگ جهانی اول، کشورهای پیروز نمایندگانی را به کنفرانس پاریس دعوت کردند، اما از ایران حتی اجازه حضور داده نشد. ایرانی که روزگاری سرچشمه علم و فلسفه بود، در آن مقطع تاریخی به این شکل تحقیر گردید؛ اما اکنون بنگرید که جهان و نظام بین‌الملل با چه اعتبار و احترامی به ایران می‌نگرد.

از این رو، ایشان بر این باور بودند که امام خمینی(ره) آمد تا این عقب‌ماندگی تاریخی و هویتی را جبران کند. امام راحل همواره این پرسش اساسی را مطرح می‌فرمودند که: چرا ما باید خود تولید نکنیم؟ چرا خود نسازیم؟ و چرا خود ارائه ندهیم؟ این پرسش‌ها، ریشه در نگرشی دارد که اعتماد به نفس ملی را نه به عنوان یک شعار، بلکه به عنوان لازمه عزت، استقلال و پیشرفت یک ملت اصیل قلمداد می‌کند.

ویژگی‌های یک ملت تاریخ‌ساز در نگاه رهبر شهید انقلاب

از این جهت است که در فرهنگ سیاسی نجیبانه، هم در فرمایش و هم در عمل رهبر شهید انقلاب، این ویژگی‌ها به خوبی نمایان می‌شود. ایشان با نگاهی دقیق به ویژگی‌های این فرهنگ بالنده اشاره کرده‌اند - موضوعی که واقعاً ظرفیت پژوهش و کاوش فراوانی دارد. فرهنگ سیاسی نجیبانه و بعثتی مردم ایران، دارای ویژگی‌هایی است که عموم جامعه‌شناسان نه تنها نگاهی مثبت به آن‌ها نداشتند، بلکه اغلب با تحقیر به این

ویژگی‌ها می‌نگریستند. رهبر شهید انقلاب از محدود شخصیت‌هایی است که صفاتی همچون متانت، شجاعت و لحظه‌شناسی را برای مردم ایران مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد. ایشان از گنجینه عقلانیت، معنویت و وقت‌شناسی مردم ایران سخن می‌گویند و تأکید می‌کنند که همین مردم، هم در برابر جنگ تحمیلی می‌ایستند و هم در برابر صلح تحمیلی تاب مقاومت دارند. رهبر شهید انقلاب از ملت ایران به عنوان ملتی تاریخ‌ساز و سرنوشت‌ساز یاد می‌کند؛ همان ملتی که دشمن را به خوبی می‌شناسد - دشمنی که در پی چپاول، استعمار و استثمار، هم دین مردم ایران و هم دنیای ایشان است.

زیست اتصال میدان و دیپلماسی در مسیر عزت ملی

نکته دیگری که باید در بحث فرهنگ سیاسی نجیبانه به آن پرداخت، مواجهه با مفهومی جدید به نام «زیست اتصال میدان و دیپلماسی در مسیر عزت ملی» است. این حضور و ظهور مردم و این بعثت مردمی در ظرف فرهنگ سیاسی روی می‌دهد که خود تبلوری از فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی به شمار می‌رود. بسیار شگفت‌انگیز است که این فرهنگ، بزرگان جهان را وامی‌دارد تا از مردم ایران با صفاتی شجاعانه و قهرمانانه نام ببرند و تصریح کنند که: «تصور ما از مردم ایران این نبود؛ آنچه اکنون می‌بینیم با آنچه پیش از این فکر می‌کردیم، بسیار متفاوت است.» به یقین، این تحول در نگاه جهانیان رخ نمی‌دهد مگر آنکه نگاه وزین و عمیق رهبر شهید انقلاب را سرلوحه کار خود قرار دهیم. ایشان همواره تأکید می‌فرمودند که وفاداری، صبوری، علاقه‌مندی و هوشمندی مردم ایران را باید قدر دانست و خود را خدمتگزار این مردم می‌دانستند.

انقلابی‌گری بصیرانه؛ لازمه بهینه‌سازی فرهنگ سیاسی نجیبانه

به عنوان نکته پایانی، برای بهینه‌سازی فرهنگ سیاسی نجیبانه و بعثتی، بهره‌گیری از «انقلابی‌گری بصیرانه» امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. رهبر شهید انقلاب در تبیین مفهوم انقلابی‌گری - تقریباً دو روز پیش از جنگ دوازده‌روزه - به روشنی فرمودند که انقلابی‌گری صرفاً سروصدا کردن و هیاهو نیست، بلکه «انقلابی‌گری یعنی حرکت در جهت آرمان‌ها». ایشان در جای دیگر، شاخص‌های انقلابی‌گری را در قالب مؤلفه‌هایی چون «پایبندی به ارزش‌ها، هدف‌گیری مستمر، پایبندی به استقلال و حساسیت در برابر دشمن» ترسیم نمودند؛ اما نکته‌ای که امروز بیش از هر زمان دیگر به آن نیاز داریم، «تقوای دینی و سیاسی» است.

حفظ انسجام و آرامش ملی در گفتار امامین انقلاب

بنابراین، آنچه اکنون باید مورد توجه و تأمل ما قرار گیرد، دو توصیه اساسی است که برآمده از اندیشه عمیق امام راحل و رهبر شهید انقلاب می‌باشد. از یک سو، امام خمینی (ره) همواره بر ایجاد آرامش و هوشیاری در برابر دامن‌نزدن به اختلافات تأکید می‌ورزیدند. از سوی دیگر، رهبر شهید انقلاب بارها بر لزوم حفظ اتصال

و انسجام ملی - که در نگاه ایشان ارزشی والا و بی‌بدیل دارد - تأکید فرمودند. ایشان همچنین به دولتمردان سفارش می‌کنند که هر مقدار توان دارند، تلاش خود را دو چندان کرده و به صورت مضاعف در مسیر خدمت به مردم و حفظ همبستگی ملی گام بردارند.

آقای دکتر رضایی

ارتقای فرهنگ سیاسی؛ ضرورت نگاهی تطبیقی به پیشا و پس‌انقلاب

به نظر می‌رسد برای ارتقای فرهنگ سیاسی مردم ایران، ابتدا باید نگاهی به دوران پیش از انقلاب داشت. همان گونه که بارها در جای‌جای بحث‌های خود بیان کرده‌ام، اتخاذ یک نگاه تطبیقی میان مسائل قبل و بعد از انقلاب می‌تواند بسیار روشنگر و راهگشا باشد. چه بسا پرداختن به دستاوردها و ویژگی‌های دوران پس از انقلاب، بدون اشاره به نقطه شروع و مسیر پیموده‌شده از «کجا» تا «به کجا رسیدن»، بحثی ناقص و نامنجم خواهد بود.

نقش مردم در نظام پیش‌انقلاب؛ حضوری ناچیز در حاشیه قدرت

در دوره پیش از انقلاب، نقش مردم ایران در امور مختلف به‌ویژه در حوزه مسائل سیاسی، نقشی بسیار ناچیز و حاشیه‌ای بود. مشارکت سیاسی - جز در برخی مقاطع کوتاه و استثنایی - اساساً وجود نداشت. مردم نه در انتخابات حضوری فعال داشتند و نه انگیزه‌ای برای چنین حضوری در خود احساس می‌کردند. دلیل اصلی آن بود که نظام سیاسی حاکم بر ایران (نظام پهلوی) به هیچ وجه جایگاهی برای نقش‌آفرینی مردم قائل نبود. تصور این نظام بر این پایه استوار بود که همه چیز در اختیار قدرت حاکمه است و با اتکا به وابستگی به آمریکا (و پیش از آن به انگلستان)، می‌تواند امور کشور را پیش ببرد. رژیم پهلوی خود را در تمامی مسائل مستظهر به پشتیبانی قدرت‌های خارجی می‌دانست و بدین ترتیب، جایی برای حضور، اراده و تعیین‌کنندگی مردم در عرصه سیاست باقی نمی‌گذاشت.

حوزه دفاعی پیش‌انقلاب؛ وابستگی بیگانگان و حذف خلاقیت ایرانی

در حوزه مسائل دفاعی و دیگر عرصه‌های حساس کشور نیز این وابستگی‌ها به طور کامل وجود داشت. به واسطه همین ارتباط مرکز-پیرامونی که میان ایران و آمریکا برقرار شده بود، دیگر جایی برای خلاقیت نیروهای ایرانی - اعم از نظامیان و متخصصان داخلی - باقی نمی‌ماند. آنچه می‌بایست صورت گیرد، نه توسط اندیشه و همت ایرانی، بلکه از سوی بیگانگان و کارشناسان خارجی انجام می‌شد.

حوزه اقتصاد پیشاانقلاب؛ سلطه بیگانگان و حذف عاملیت ملی

در حوزه مسائل اقتصادی نیز به همین ترتیب، شرکت‌های خارجی بودند که در ایران حضوری بسیار فعال داشتند و اداره امور مهم کشور در اختیار آن‌ها قرار داشت. سدها، بندرگاه‌ها، نیروگاه‌ها و کارخانجات بزرگ - همگی توسط بیگانگان راه‌اندازی و مدیریت می‌شدند. در این ساختار وابسته، نقشی برای مردم - به معنای واقعی کلمه - قائل نبودند و عاملیت ملی در عرصه اقتصاد، عملاً به حاشیه رانده شده بود.

عرصه علم و دانش پیشاانقلاب؛ استعدادهای سرشار در قفس وابستگی

اساساً در دوره پیش از انقلاب، جایی برای پیشرفت علم به آن معنایی که در دوران پس از انقلاب شاهد آن بوده‌ایم، وجود نداشت. هرچند دانشگاه‌هایی فعال بودند و استعدادهای بسیاری در این مراکز علمی حضور داشتند - استعدادهایی که از قدرت خلاقیت و ابتکار قابل توجهی برخوردار بودند - اما زمینه و بستر لازم برای اینکه این توانمندی‌ها به فعلیت برسند و در مسیر توسعه کشور به کار گرفته شوند، فراهم نبود.

کاشت بذر تحول فرهنگی در جان مردم ایران توسط امام خمینی (ره)

در اینجا باید از پیامی بیاموزیم که حضرت امام خمینی (ره) آن را آغاز کردند و مسیری تازه پیش روی مردم ایران گشودند. ایشان با تعالیم ژرف خود، با سخنرانی‌های روشنگرانه و با تمام تلاش‌هایی که از سال ۱۳۴۱ به بعد به عمل آوردند، بذری در حوزه فرهنگ مردم ایران - به معنای عام آن - کاشتند. البته شخصیت‌های دیگری نیز که به عنوان شاگردان ایشان در این مسیر گام برداشتند، با تلاش بسیار توانستند به رهبری امام، آن راه را بیشتر و بهتر بپیمایند. مردم ایران نیز در همین مسیر حرکت کردند و این بذر فرهنگی، در جان و جامعه ایرانی ریشه دوانید و به ثمر نشست.

روشنگری بی‌وقفه رهبر شهید انقلاب در میان مردم

رهبر شهید انقلاب از جمله شخصیت‌هایی هستند که از همان ابتدا و در رکاب امام خمینی (ره)، فعالیت خود را آغاز نمودند. چه در دوران حضور در قم و چه در دوران اقامت در مشهد، ایشان همواره با مردم، در میان مردم و برای مردم فعالیت کرده و به روشنگری پرداخته‌اند. این تلاش‌ها و مجاهدت‌های خستگی‌ناپذیر تا پایان حیات مبارکشان تداوم یافت و هیچ‌گاه از حرکت بازماندند.

انفجار نور؛ روایت دستاوردهای طیفی انقلاب اسلامی

اما اکنون اگر وضعیت پیش از انقلاب را در نظر داشته باشیم و به دوران پس از انقلاب منتقل شویم، ناگزیر باید به آن تعبیری اشاره کنیم که حضرت امام خمینی (ره) از انقلاب داشتند؛ ایشان انقلاب را «انفجار نور» نام نهادند. این نور، دارای طیف‌های گوناگون و متنوعی است. در حوزه اقتصاد، در حوزه علم و دانش،

در حوزه مشارکت سیاسی، در حوزه نظامی و دفاعی، در حوزه خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها - در تمامی این عرصه‌ها، انقلاب اسلامی دستاوردهای بسیار والایی داشته است. همان‌گونه که یک نور از طیف‌های مختلف رنگی برخوردار است، ما نیز می‌بینیم که انقلاب اسلامی در حوزه‌های گوناگون، درخششی فراتر از تصور داشته و مسیر پیشرفت و عزت ملی را برای مردم ایران گشوده است.

بررسی نقش رهبر شهید انقلاب در ارتقای فرهنگ سیاسی

اگر بخواهم اکنون بحث خود را در حوزه مسائل سیاسی و نقشی که رهبر شهید انقلاب، در این زمینه داشتند مطرح کنم، لازم است به برخی موارد و نکات اشاره نمایم. قصد دارم به نوعی سیره، عملکرد و جریان فعالیت‌های ایشان را در طول این سال‌ها مروری کنم و بررسی نمایم که این تلاش‌ها چه نقشی در ارتقای فرهنگ سیاسی کشور و مردم ما ایفا کرده است. آنچه امروز مشاهده می‌کنیم، همان چیزی است که پیش‌تر به آن اشاره شد: مردمی مبعوث شده، مردمی که پای کار انقلاب، پای کار ایران و پای کار استقلال خود ایستاده‌اند و اساساً به «امت شاهد» تبدیل شده‌اند و برای جهانیان به یک الگو بدل گشته‌اند. در این مسیر، نقش رهبری و تحولی که ایشان ایجاد کردند، محوری اساسی دارد. در ادامه، این مهم را با محورهایی که ارائه خواهم کرد، مورد بررسی قرار می‌دهم.

حزب جمهوری اسلامی؛ گام نخست در ترویج فرهنگ مشارکت سیاسی

یکی از نخستین اقداماتی که رهبر شهید انقلاب در آن فعالیت داشتند و بسیار نیز مؤثر واقع شد، تشکیل حزب جمهوری اسلامی بود. این حزب توانست فرهنگ مشارکتی بسیار گسترده‌ای را در جامعه ایران دامن بزند. آن دسته از افرادی که سنشان به آن دوران می‌رسد، خود شاهد آن مسائل بوده‌اند و کسانی نیز که سنشان به آن زمان قد نمی‌دهد، می‌توانند با مطالعه، نقش حزب جمهوری اسلامی را در توسعه مشارکت سیاسی و همچنین ارتقای فرهنگ سیاسی جامعه، هم به یاد آورند و هم مورد بررسی قرار دهند.

حزب جمهوری اسلامی در نگاه رهبر شهید انقلاب

حزب جمهوری اسلامی از نگاه رهبر شهید انقلاب، صرفاً یک رفتار انتخاباتی نبود - اگرچه برای این منظور نیز کارآمدی داشت - اما ایشان دیدگاهی بسیار وسیع‌تر نسبت به حزب داشتند. به‌ویژه در سخنرانی‌های ایشان در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۶ (زمانی که حزب حضور داشت)، بارها تعریف خود را از حزب در مناسبت‌های گوناگون ارائه می‌کنند و آن را به عنوان یک نهاد آگاهی‌بخش برای جامعه معرفی می‌نمایند. ایشان چنین فرموده‌اند: «از نظر ما حزب، مرکزی است که باید کانال‌هایی به اقصای نقاط جامعه و کشور داشته باشد و این کانال‌ها، مسیر عبور آگاهی‌ها و تعالیم مختلف - اعم از سیاسی و فرهنگی - برای

ارتقای سطح فرهنگ جامعه به طور عام و فرهنگ سیاسی جامعه به طور خاص، باشند.» به عبارت دیگر، از نگاه ایشان، حزب یک مرکز تولید محتواست؛ باید در این زمینه بسیار فعال باشد و همواره جامعه را به سطوح بالاتری از آگاهی و معارف گوناگون، علی‌الخصوص در حوزه سیاسی، برساند.

مجاهدت بی‌وقفه رهبر شهید انقلاب در ترویج فرهنگ سیاسی اسلامی

خود ایشان در آن زمان بسیار فعال بودند و مسئولیت بخش قابل توجهی از توفیقات حزب جمهوری اسلامی را بر عهده داشتند - کاری که بسیار سنگین و طاقت‌فرسا بود. به تعبیری که خودشان در برخی از سخنرانی‌هایشان دارند، در این زمینه روز و شب نمی‌شناختند و پیوسته، چه در سخنرانی‌ها و چه در انتشاراتی که داشتند، تلاش می‌کردند آن فرهنگ سیاسی اسلامی و تعالیم ناب آن را به جامعه منتقل کنند. بی‌گمان، این فعالیتی ارزشمند و ماندگار بود که باید از آن یاد کرد و همواره آن را در نظر داشت.

نقش رهبر شهید انقلاب در پیوند با دانشجویان

نوع دیگری از فعالیت‌های ایشان که در ابتدای انقلاب بسیار چشمگیر و فوق‌العاده مؤثر بود، حضور در تجمعات و محافل دانشجویی است. رهبر شهید انقلاب جلساتی را به صورت مستمر با دانشجویان برگزار می‌کردند. این جلسات ابتدا در مسجد دانشگاه تهران تشکیل می‌شد و سپس در مساجد مختلف و گوناگون ادامه یافت.

روشنگری در جلسات دانشجویی بدون گزینش

نکته جالب درباره این جلسات آن بود که مباحثی که ایشان مطرح می‌کردند، بسیار مورد توجه دانشجویان قرار داشت. موضوعات بحث، عمدتاً در ارتباط با مسائل روز بود. در پایان هر جلسه نیز ایشان به پرسش و پاسخ اختصاصی می‌پرداختند، بدون آنکه کوچکترین گزینشی در پاسخگویی به سؤالات داشته باشند؛ یعنی هر سؤالی که مطرح می‌شد، ایشان بدون استثنا پاسخ می‌دادند و این روند تا زمانی که فرصت واقعی وجود داشت، ادامه می‌یافت؛ به عبارت دیگر، جلسات کاملاً باز و بدون تنگ‌نظری برگزار می‌شد و به شدت مورد استقبال دانشجویان قرار داشت. این جلسات ادامه یافت تا زمانی که ایشان در مسجد ابوذر حضور داشتند و متأسفانه آن واقعه تروریستی اتفاق افتاد. بدین ترتیب، این نیز از جمله اقدامات ارزشمند و تأثیرگذاری بود که ایشان در مسیر روشنگری و ارتقای فرهنگ سیاسی انجام می‌دادند.

تأکید رهبر شهید انقلاب بر نقش مردم در اقتصاد؛ نگاهی فراسوی سیاست

در دوره پیش از رهبری، رهبر شهید انقلاب با توجه به اینکه مسئولیت ریاست جمهوری را بر عهده داشتند، در جای‌جای کشور سخنرانی می‌کردند و مرتباً بر مسائل اقتصادی و دیگر موضوعات تأکید

می‌ورزیدند؛ اما نکته‌ای که قصد دارم در اینجا به آن بپردازم، توجه ویژه ایشان به نقش مردم است. ایشان نه تنها به نقش مردم در حوزه سیاسی توجه داشتند، بلکه بر حضور و عاملیت آنان در حوزه اقتصادی نیز تأکید می‌کردند. همه ما می‌دانیم که در آن زمان، نگاه حاکم بر دولت (با نخست‌وزیری مهندس میرحسین موسوی) بر اقتصاد دولتی استوار بود و فضایی کاملاً دولتی بر کشور حاکم شده بود. این نگاه، چنان شدت داشت که عملاً جایی برای نفس کشیدن بخش خصوصی و حضور مردم در عرصه‌های اقتصادی باقی نمی‌گذاشت. در چنین شرایطی، تأکید رهبر شهید انقلاب بر نقش مردم در اقتصاد، رویکردی متفاوت و شایسته تحلیل و بررسی عمیق‌تر است.

نگاه فراگیر و همه‌جانبه رهبر شهید انقلاب به حضور مردم در صحنه

در چنین فضایی، نگاه رهبر شهید انقلاب به عنوان رئیس‌جمهور، کاملاً متفاوت از نگاه حاکم بر دولت بود. ایشان بر حضور مردم در عرصه‌های مختلف تأکید داشتند و حتی در جلسات دولت نیز پیوسته بر این مسئله اصرار می‌ورزیدند که: باید جایی برای مردم باز کنید تا آن‌ها بتوانند وارد صحنه شوند، وارد صحنه اقتصاد گردند و در این زمینه فعالیت داشته باشند. بنابراین، بحث صرفاً حضور مردم در عرصه سیاسی نیست، بلکه نگاه رهبر، نگاهی فراگیر و همه‌جانبه است که تمام ابعاد حیات اجتماعی و اقتصادی را در بر می‌گیرد.

ساماندهی نیروهای مردمی در ابتدای جنگ توسط رهبر شهید انقلاب

باز اگر اندکی به عقب‌تر بازگردیم، نکته شایسته تذکر و یادآوری، نقش دیگری از ایشان است: ساماندهی نیروهای مردمی در همان ابتدای جنگ تحمیلی. در آن مقطع، آقای بنی‌صدر فرمانده کل قوا بود و جنگ آغاز شده بود. ارتش و سپاه – که هنوز تازه تأسیس بود – هر یک در حد توان خود مشغول دفاع بودند؛ اما در آن شرایط، ما با طرز تفکری از سوی بنی‌صدر مواجه بودیم که نیروهای مردمی را چندان به کار نمی‌آمد و حتی آن‌ها را مزاحم می‌دانست. در چنین فضایی، نقش رهبر شهید انقلاب در ساماندهی، سازماندهی و به میدان آوردن این نیروهای مردمی، اقدامی راهبردی و تأثیرگذار بود که نقطه عطفی در مدیریت دفاع مردمی در ابتدای جنگ به شمار می‌رود.

ستاد جنگ‌های نامنظم؛ نخستین گام برای سازماندهی نیروهای مردمی

رهبر شهید انقلاب اسلامی در همان هفته اول جنگ، به همراه شهید دکتر چمران، سفری به مناطق جنوبی کشور داشتند و بلافاصله وارد منطقه شدند. نخستین اقدامی که ایشان انجام دادند، تشکیل ستادی به نام «ستاد جنگ‌های نامنظم» بود. هدف از تشکیل این ستاد، جذب نیروهای مردمی داوطلب، آموزش دادن به آنان، سازماندهی نیروها و استفاده از توانمندی‌های ایشان در جهت دفاع از کشور در برابر مهاجمان متجاوز بود.

مردم، نردبان تعالی جامعه در نگاه رهبر شهید انقلاب

اگر این مجموعه اقدامات و نگاه‌ها را کنار یکدیگر قرار دهید، به روشنی مشاهده می‌کنید که از همان ابتدای انقلاب، نگاه رهبر شهید انقلاب به مردم، نگاهی ویژه و بی‌نظیر بوده است. از منظر ایشان، همه مشکلات باید با حضور مردم حل و فصل شود؛ باید به مردم در حوزه‌های مختلف اهمیت داد، به آنان شخصیت بخشید و آن‌ها را محور حل مسائل و مشکلات کشور دانست. این نگاه، همانند نردبانی است که جامعه باید از آن بالا رود تا هر لحظه، هر روز و هر سال، به سطوح بالاتری از فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی و فرهنگ مشارکتی در امور مختلف دست یابد. بدین ترتیب، مردم کشور ما همواره در مسیر تعالی و پیشرفت گام برمی‌دارند.

تأکید رهبر شهید انقلاب بر حضور گروه‌های سیاسی؛ حفظ وحدت در چارچوب نظام

در دوره پس از رهبری رهبر شهید انقلاب، باز با این مسئله مواجه هستیم که ایشان همچنان بر حضور گروه‌های سیاسی گوناگون در عرصه فعالیت‌های سیاسی کشور تأکید دارند. در ابتدای دوره رهبری ایشان، گروه‌های مختلفی شکل گرفتند و به مرور، به دلایل گوناگون، تضادها و اختلافات میان آن‌ها افزایش یافت. با این حال، تلاش ایشان بر این بود که هیچ‌یک از این گروه‌ها - که در چارچوب نظام جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند، هرچند با یکدیگر اختلاف نظر و اختلاف سلیقه دارند - حذف نشوند. بلکه همه آن‌ها باید در عرصه سیاسی کشور حضور داشته باشند و بخشی از جامعه را نمایندگی کنند. این رویکرد هوشمندانه، نشان‌دهنده عمق نگاه ایشان به مشارکت سیاسی و پاسداشت تناظر سالم اندیشه‌ها در درون نظام است.

نگاه فراگیر رهبر شهید انقلاب در انتصاب مقامات مختلف

خود ایشان به عنوان شخصیتی که مسئولیت تعیین و گزینش مسئولان مختلف را بر عهده دارند، همواره سعی کرده‌اند همین طرز تفکر را در عمل نیز پیاده کنند. برای نمونه، در مجمع تشخیص مصلحت نظام، وقتی ایشان افراد را انتخاب می‌کنند، شاهد هستیم که از هر دو طیف سیاسی - اصطلاحاً چپ و راست - در این مجمع حضور دارند. به عنوان مثال، آقای موسوی خوئینی‌ها از یک سو و شخصیت‌هایی از طیف راست (تا جایی که به خاطر دارم) از سوی دیگر، در کنار هم حضور می‌یابند. این ترکیب متنوع از نیروها، نشانه روشنی از این رویکرد است که همه باید در مسائل مختلف کشور حاضر باشند و هیچ گروهی به صرف اختلاف نظر، از صحنه سیاست حذف نشود.

به عنوان مثال، در انتصاب مقامات مختلف، ایشان از همه طیف‌های سیاسی استفاده می‌کنند. این اقدام، خود یک درس بزرگ و یک روش عملی است تا بدانیم در عرصه سیاسی کشور نباید به سوی یک‌جانبه‌گرایی

گرایش پیدا کنیم، بلکه باید همواره نگاهی جامع و کامل داشته باشیم. این رویکرد، ضمن حفظ انسجام ملی، امکان بهره‌مندی از همه ظرفیت‌های موجود در کشور را فراهم می‌آورد.

انتخابات حداکثری در سیره سیاسی رهبر شهید انقلاب

در حوزه مسائل انتخاباتی، اگر به سیره رهبر شهید انقلاب نگاه کنید، همواره تأکید ایشان بر انتخابات حداکثری بوده است. در تمامی سخنرانی‌هایشان، انتخابات باید با مشارکت بالای مردم برگزار شود و این مسئله به عملکرد مسئولان نظام و همچنین ارتقای سطح فرهنگ سیاسی مردم برای حضور پای صندوق‌های رأی بازمی‌گشت. گاهی حتی به ایشان پیشنهاد می‌شد که می‌توان انتخابات حداقلی برگزار کرد تا با دردهای احتمالی ناشی از حضور برخی ظرفیت‌ها در مناصب مختلف مواجه نشویم، اما ایشان هرگز چنین چیزی را نمی‌پذیرفتند و همواره تأکید داشتند که انتخابات باید به گونه‌ای باشد که حضور حداکثری مردم را شاهد باشیم، حتی اگر پس از آن تلاطم‌های سیاسی نیز رخ دهد. این مسئله به روشنی در سیره و سخنرانی‌های ایشان دیده می‌شود و همه مسئولان طبیعتاً باید چنین رویکردی را رعایت کنند.

صیانت از رأی مردم در سیره سیاسی رهبر شهید انقلاب

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، مسئله صیانت از رأی مردم است. رهبر شهید انقلاب با تأکید بر صیانت از آرای عمومی، به جامعه اطمینان خاطر می‌دادند که رأی شما ارزشمند است و تحت هیچ شرایطی، آن آرای که مردم به صندوق‌ها انداخته‌اند، بی‌تأثیر نخواهد شد و ابطال نخواهد گردید.

پاسداشت رأی مردم در سیره سیاسی رهبر شهید انقلاب

در مقاطعی ما، شاهد اوج این مسئله هستیم که یکی از آن مقاطع، بحث انتخابات سال ۱۳۷۶ است. در آن دوره، به گفته خود ایشان، برخی از افراد به ایشان گفتند که انتخابات اشکال داشته و باید ابطال شود؛ اما رهبر شهید انقلاب در پاسخ به آن فرد چنان موضعی گرفتند که فرمودند: «او همچنان از من دلگیر است.» این روایت به خوبی نشان می‌دهد که رأی مردم نزد ایشان از احترامی بسیار بالا و شأنی والا برخوردار بود و همواره از آن صیانت می‌کردند، حتی اگر این صیانت، هزینه‌های شخصی و سیاسی در پی داشته باشد.

پاسداشت رأی مردم در برابر فتنه شدید سال ۸۸

اوج صیانت از رأی مردم، در سال ۱۳۸۸ خود را نشان داد؛ آنگاه که با فتنه بزرگی مواجه شدیم. متأسفانه آقای میرحسین موسوی زیر بار واقعیات نرفت و با پیش گرفتن رفتاری غیرقانونی و غیراخلاقی، تلاش کرد تا انتخابات را ابطال کند. کشور دچار تلاطم و بحران سیاسی شد. تبلیغات بیگانگان و فشارهای سیاسی – چه از جانب برخی گروه‌های داخلی و چه از سوی مراکز خارجی – به اوج خود رسید و فشاری بسیار

سنگین بر نظام وارد آورد؛ اما رهبر شهید انقلاب در برابر تمام این فشارها ایستادگی کرد و به مردم اطمینان داد که آرای آنان هرگز باطل نخواهد شد و ایشان زیر بار هیچ حرف غیرقانونی نخواهند رفت. این ایستادگی تاریخی، بار دیگر نشان داد که رأی مردم نزد ایشان از چنان حرمت و ارزشی برخوردار است که هیچ فتنه و فشاری نمی‌تواند آن را خدشه‌دار کند.

تضمین تداوم انتخابات و بالندگی فرهنگ سیاسی توسط رهبر شهید انقلاب

از منظر من، آنچه در این دوره اتفاق افتاد و اقدامی که ایشان در آن زمان انجام دادند، یکی از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین اقدامات در طول دوران رهبری ایشان به شمار می‌رود. دلیل آن روشن است: اگر چنین کاری صورت نمی‌گرفت، اساساً بساط انتخابات در کشور ما برچیده می‌شد و فرهنگ سیاسی کشور - که با تلاش‌های بسیار توانسته بود به رشد و تعالی بالایی دست یابد - آسیب جدی می‌دید. چرا که به جای صندوق‌های رأی، از آن به بعد، اردوکی‌های خیابانی تعیین‌کننده سرنوشت سیاسی کشور می‌شد. این اقدام خردمندانه و شجاعانه‌ای که رهبر شهید انقلاب در آن زمان انجام دادند، موجب شد که ما همچنان از استقرار سیاسی سالم و مبتنی بر رأی مردم برخوردار باشیم و مسیر بالندگی فرهنگ سیاسی کشور ادامه یابد.

تأکید بر برگزاری به موقع انتخابات توسط رهبر شهید انقلاب

نمونه دیگر از پایبندی رهبر شهید انقلاب به نهاد انتخابات، مخالفت ایشان با تعویق انتخابات دوره هفتم مجلس بود. در آن مقطع، به دلیل مسائل پیش آمده، برخی از نمایندگان مجلس ششم استعفا داده بودند و دولت وقت نیز در همراهی با آنان تلاش می‌کرد تا با به تعویق انداختن انتخابات دوره هفتم، فضای جدیدی در کشور رقم بزند؛ اما رهبر شهید انقلاب در آن شرایط نیز بر برگزاری انتخابات تأکید کردند و فرمودند که این انتخابات دقیقاً باید در موعد مقرر خود برگزار شود. همین اتفاق نیز رخ داد و این اقدام، به تثبیت نهاد انتخابات به عنوان یکی از ارکان اساسی مشارکت سیاسی مردم در کشور انجامید.

حضور مردم در عرصه دانش بنیان؛ جلوه دیگری از نگاه فراگیر رهبر شهید انقلاب

ما در حوزه‌های دیگر نیز شاهد هستیم که رهبر شهید انقلاب همواره بر نقش مردم تأکید داشتند؛ همین تأکید ایشان بر توسعه شرکت‌های دانش بنیان گواه روشنی بر این مدعاست. به این معنا که حضور جوانان و مردم در عرصه علم، صنعت، فناوری و پیشرفت و نیز این اصل که بار اصلی پیشرفت کشور باید بر دوش شرکت‌ها و مراکز دانش بنیان باشد، از جمله مواردی بود که ایشان بارها بر آن تصریح کردند. حمایت‌های بسیار قوی از این شرکت‌ها، بازدیدهایی که از آن‌ها به عمل آوردند، تشویق‌ها، پشتیبانی‌ها و رهنمودهایی که ارائه کردند - همه و همه از جمله اقداماتی است که در جهت ارتقای نقش مردم در کشور از سوی ایشان صورت گرفت و ما همگی شاهد آن بودیم.

نگاه همه جانبه رهبر شهید انقلاب به جایگاه مردم

رهبر شهید انقلاب از ابتدای جوانی تا لحظه شهادت، نگاهی ویژه به مردم داشتند؛ نگاهی که تمامی حوزه‌ها را در بر می‌گرفت. همین نگاه عمیق و فراگیر موجب شد که در طول سال‌های پس از انقلاب، شاهد رشد و تعالی فرهنگ سیاسی مردم باشیم؛ فرهنگ مقاومت، فرهنگ دشمن‌شناسی، فرهنگ استقلال‌طلبی، فرهنگ ایران‌دوستی، فرهنگ پیشرفت در عرصه علم و فناوری و نیز فرهنگ خودباوری، خوداتکایی و پرهیز از خودتحمیلی. اگر کسی بخواهد فهرست این دستاوردهای فرهنگی را برشمارد، بی‌گمان با فهرستی بلند و ارزشمند روبرو خواهد شد که مرهون نگاه بی‌نظیر آن رهبر شهید انقلاب به مردم ایران است.

امروز آن مؤلفه‌ها و اجزای فرهنگی که شاکله کلی فرهنگ ما را شکل داده‌اند، واقعاً مرهون تدابیر، رهنمودها و حمایت‌های بی‌دریغ رهبر شهید انقلاب است. اگر ملت ایران توانسته به این سطح از مقاومت، استقلال و شأن والا در عرصه بین‌المللی دست یابد، باید جایگاه تلاش‌های رهبری را در این مسیر به درستی تشخیص دهیم. خوشبختانه امروز ما در چنین موقعیت افتخارآمیزی قرار داریم که حاصل دهه‌ها مجاهدت آن رهبر شهید است.